

کارگر کمونیست

درباره مسائل جنبش کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: غلام اکبری
gholam.akbari@gmail.com

ادیتور: شهلا دانشفر
shahla.daneshfar2@gmail.com

۷۱۰

۲۷ دی ۱۴۰۰
۱۷ ژانویه ۲۰۲۲



دوشنبه ها منتشر میشود

دیگر مطالب این شماره:
***سران جمهوری اسلامی
باید بجرم جنایت علیه
بشریت دستگیر و محاکمه
شوند**
صفحه ۱۲

***محسن رضایی باید فوراً
دستگیر و روانه زندان
شود**
صفحه ۱۴

چند اطلاعیه حزب صفحات
۱۱ الی ۱۶

حزب کمونیست
کارگری ایران به کمک
مالی شما نیازمند است!
صفحه ۱۷

**به حزب
کمونیست
کارگری ایران
پیوندید!**

آخر سال و مبارزه برای افزایش دستمزدها

متن پیاده شده گفتگو با شهلا دانشفر در برنامه تلویزیونی خط رفاه



حسن صالحی: در پایان هر سال ما شاهد این هستیم که کارفرمایان و سرمایه داران در ایران به طور یکجانبه در

مورد میزان حداقل دستمزد کارگران برای سال آتی و اینکه حداقل مزد چقدر باشد تصمیم گیری میکنند. این

غارتی دیگر، این بار بانک رفاه کارگران

یاشار سهندی
تهبکاران مافیایی حاکم بر

ایران هر چقدر غارت می کنند سیر نمی شوند! حرص و آز ایشان پایان ناپذیر است. هر چه دم دستشان هست بالا می کشند. یکی از اهداف غارتگران حاکم اموال کارگران بوده و چشم طمع دوختن به

بانک رفاه کارگران غارتی دیگر از این دست است. به گزارش ایلنا این بانک ... با سرمایه اولیه چهارصد میلیون ریال از محل وجوه سازمان بیمه های اجتماعی کارگران در تاریخ

۱۳۳۹/۵/۲۷ (تاسیس) ... از ششم فروردین ماه سال ۱۳۴۰ آغاز شد. بنابراین حتی قبل از اینکه سازمان تامین اجتماعی به عنوان یک نهاد مستقل و فراگیر برای

مجمع عمومی و شورا

بهر روز بروز طی سالیان اخیر دستاوردهای مبارزاتی طبقه کارگر ایران پیام روشنی برای

فعالین اجتماعی و رادیکال داشته است. تکرار مجدد پیام کارگر مبارز جو هیل، که پیش از اعدام خطاب به کارگران و همرزمانش گفته بود؛ وقتتان را برای سوگواری

هدر ندهید، سازماندهی کنید. گرایش وسیع بخش رزمندهی طبقه کارگر به شورا و مجمع عمومی نویدبخش پایان دوران توهامات

اصلاح طلبانه، برخورد نوستالژیک با مبارزه، قرارگیری در مقام مغلوبان همیشگی و اقلیتی که جامعه قادر به درک آنها نیست را می دهد. موضوع

تباهی کودکی در دنیای سرمایه داری (i)

یاشار سهندی
نیاز سرمایه به نیروی کار، صغیر و کبیر نمی شناسد. "جمعیت هدف" برای استثمار و تولید ارزش اضافه مختص

به بزرگ سالان نبوده و نیست. کار کودک از ابتدای شکل گیری سرمایه داری و اکنون که در اوج گندیدگی و حتی در آستانه نابودی حیات کنونی بر روی کره زمین است، منبع لایزالی برای سرمایه بوده است. مارکس در این رابطه به حقیقتی تلخ اشاره می کند: "بنا

دلمان می خواهد که این رژیم سرنگون می شد. دلمان می خواهد که اعتراضات پیگیر باشند؛ اما سیاست را نمی شود با آرزوهای قلبی این و آن توضیح داد و به پیش برد. من فکر می کنم که برای

نشسته است که چرا این رژیم این همه مدت عمر کرد؟ چرا اعتراضات توده ای و میلیونی سالهای ۸۸، ۹۶ و ۹۸ ادامه پیدا نکردند و توده های معترض پراکنده شدند؟ همه ماهای مخالف این رژیم

حلقه گم اعتراضات توده ای

ناصر اصغری
ته ذهن هر مخالف جمهوری اسلامی این سؤال



صفحه ۱۰

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

آخر سال و مبارزه برای افزایش دستمزدها

صفحه ۱

کردم وقتی پایان سال نزدیک میشود بحث بر سر اینکه میزان حداقل دستمزد چقدر باشد بالا میگیرد. چون این موعدی است که دولت و کارفرمایان می نشینند و در مورد دستمزد کارگران و میزان حداقل آن برای سال آتی تصمیم میگیرند. از همین رو نبرد بر سر دستمزد بخصوص در چند ماه آخر هر سال حلدت و شدت پیدا میکند و گفتمان و بحث بر سر این موضوع بالا میگیرد. اول از همه اجازه بدهید ببینیم در اردوی سرمایه، در دولت و در میان کارفرمایان در رابطه با حداقل دستمزد سال ۱۴۰۱ چه مباحثی جاریست و چه گذشته است؟

شهلا دانشفر: همانطور که اشاره کردید آخر سال است و دولت هم در تدارک تعیین میزان حداقل دستمزد سراسری سال آینده است. شورای عالی کار جمهوری اسلامی تا اکنون چهار نشست داشته است. این "شورا" در آذر ماه خود را شروع کرد و در جلسه دوم خود در ۲۱ آذر یکی از تصمیماتشان این بود که کمیته مزد را تعیین و به دولت معرفی کند. کمیته مزدی که هر ساله از بالای سر کارگران تشکیل و در پشت درهای بسته بر سر میزان حداقل دستمزد کارگر گمانه زنی میکند. نکات دیگر در دستور شورای عالی کار تعیین نرخ سبد معیشت کارگران است که رقم آنهم همیشه بر اساس مصلحت نظام و مهندسی شده تعیین میشود. گفته اند این رقم را روزهای آخر سال اعلام خواهند کرد. دلیلش نیز اینست که

نمیخواهند رقمی اعلام کنند که به موضوع بحث در میان کارگران تبدیل شود و مظنه ای بدست آنها بدهد. بخصوص در جبهه مقابل بحث میزان حداقل دستمزد داغ است. کارگران زندگی زیر خط فقر را قبول ندارند. به تبعیض ها اعتراض دارند و مثل هر سال به میدان آمده و رقمی اعلام میکنند. و این اعتراضی است به تعرض هر روزه حکومت به زندگی و معیشتشان و در واقع حرف کارگران اینست که شورای عالی کار را قبول ندارند. نمایندگان کانون عالی شوراهای اسلامی و کانون عالی انجمن های صنفی را که تشکلهای دست ساز حکومتی و به عنوان "نمایندگان کارگران" در شورای عالی کار شرکت میکنند را قبول ندارند و اجازه نمیدهند که از بالای سر آنها بر سر مزدشان تصمیم گیری شود. اینگونه است که هم اکنون بازار آمار دهی از سوی حکومتیان و آتش بیاران آن یعنی شورای اسلامی چی ها بر سر خط فقر، خط بقا، خط فقر مطلق و غیره داغ است. ضمن اینکه کار بررسی منطقه ای کردن تعیین میزان حداقل دستمزد را هم در دستور کارشان گذاشته اند. و این طرح زدن زیر تعیین حداقل دستمزد سراسری و طرح ایجاد تشتت در صف مبارزه کارگران است. طرحی که چهار سال است می رود و می آید و آنقدر اعتراضات کارگران علیه آن وسیع بوده که عملاً عقب زده شده و امسال هم سرنوشتش همان خواهد بود و فضای تعرضی جنبش کارگری اجازه چنین کاری را نخواهد داد. همه اینها بخشی از تدارک گمانه زنی های پشت پرده در شورای عالی کار است و تلاششان اینست که

با این بحث ها کارگر را به مرگ بگیرند تا به تب راضی شود و زمینه را برای تعرض بیشتر به زندگی و معیشت کارگر و کل جامعه و هل دادن او به سوی تباهی هر چه بیشتر زیستی فراهم کنند. اما خودشان هم میدانند که این تلاشها عبث است و با وجود یک جنبش قدرتمند اجتماعی بر سر خواست افزایش دستمزدها و گفتمان اینکه دستمزدها باید بالای خط فقر باشد و حقوقهای نجومی برچیده شود، حکومت در مخمه بدی گیر کرده است. بویژه یک موضوع متفاوت امسال اینست که بحث بر سر تعیین میزان حداقل دستمزد با مساله لایحه ریاضتی بودجه دولت ادغام است. که لازمست بیشتر صحبت کنیم.

حسن صالحی: در واقع میزان حداقل دستمزد به گونه ای مساله میزان رفاه در سطح جامعه را نیز نشان میدهد. و این یک محور اعتراضات کارگری در سالهای گذشته بوده است. در رابطه با سطح دستمزدها نیز کارگران رقم های مختلفی را اعلام کرده اند. آخرین آن در سال گذشته ۱۲ تا ۱۲ میلیون و نیم بود که با حداقل دستمزدی که حکومت تعیین کرد بسیار فاصله داشت. الان هم این تلاش ها در اردوی کار، در جنبش کارگری شدت پیدا کرده است. من دیدم چند تشکل کارگری از جمله سندیکای کارگران اتوبوسرانی شرکت واحد، سندیکای نیشکر هفت تپه، اتحاد بازنشستگان و چند نهاد دیگر بیانیه ای منتشر کرده اند و در آنجا بحث اینکه حداقل دستمزد باید ماهیانه ۱۶ میلیون تومان باشد را مطرح کرده اند. سوالم اینست که در میان

کارگران جنبش و جوش بر سر میزان حداقل دستمزد اکنون چگونه است؟

شهلا دانشفر: جنبش بر سر میزان حداقل دستمزد فراتر از موعد تعیین حداقل دستمزدهاست. امسال افزایش دستمزدها یک موضوع جدال هر روزه بخش های مختلف کارگری بوده است. در این جدال کارگران و از جمله کارگران صنعت نفت، معلمان، بازنشستگان، پرستاران همه دخیل بودند. و به این معنا ما با یک جنبش اجتماعی در سطح جامعه بر سر این موضوع روبرو هستیم که جمعیت میلیونی کارگران و خانواده های کارگری این بخش ها را در بر میگیرد. از همین رو همانطور که اشاره کردم جمهوری اسلامی در مخمصه سختی برای تعیین حداقل دستمزدها گیر کرده اند.

سال گذشته معدل میزان حداقل دستمزدی که از سوی تمامی این بخش ها اعلام شد دوازده میلیون در ماه بود. گفتند اگر خط فقر ۱۲ میلیون است، حقوق ما هم باید دوازده میلیون باشد و بعضاً از دوازده میلیون و نیم حداقل دستمزد سخن گفتند. امسال نیز همانطور که اشاره کردید شش شکل کارگری جلو آمده اند و میگویند حداقل دستمزدها باید شانزده میلیون باشد. این تشکل ها در بیانیه خودشان از فشار سنگینی که سرمایه داری در طول تمام سالهای سال بر طبقه کارگر و کل جامعه وارد کرده سخن میگویند. از رشد سرسام آور تورم و بالارفتن قیمت ها میگویند. و در آخر امضا کنندگان آن همه بخش های جامعه را فراخوانده اند که حول این خواست جمع و متحد شوند

و در عین حال در برابر تعرضات حکومت تحت عناوینی چون منطقه ای کردن دستمزدها، طرح های استاد شاگردی و غیره بایستند. و این یک حرکت پیشرو و پیشتازی است. البته سالهاست کارگران با همین گفتمان ها قدم به جلو گذاشته و میگویند خط فقر را قبول نمیکنیم. شورای عالی کار را قبول نداریم و قبول نمیکنیم از بالای سر ما تصمیم گیری شود و خودشان با عمل مستقیم خود وارد میدان شده و به عنوان اولین گام از افزایش دستمزدها به رقم مد نظرشان صحبت میکنند. بعلاوه اینکه در کنار خواست افزایش دستمزدها مطالباتی چون درمان رایگان و تحصیل رایگان برای همه و داشتن حق مسکن خواستهای سراسری بخش های مختلف کارگری است و به شعارهای اعتراضی آنها در کف خیابان تبدیل شده است. این تحركات الان گسترده تر شده است و اکنون که مقطع تعیین حداقل دستمزد است در آغاز یک جدال بر سر موضوع میزان حداقل دستمزد برای سال آتی هستیم. تاکید من اینست که همه بخش های کارگری باید با قدرت به میدان بیایند. اعلام رقم سراسری از سوی کارگری یک عرض اندام سراسری است. از همین را در این عرصه از مبارزه اتحاد سراسری بسیار مهم است. خود این اقدام سراسری در عین حال چالش بودجه ریاضتی حکومت برای سال ۱۴۰۱ نیز هست.

حسن صالحی: اشاره کردید که چندین سال است که جنبش کارگری برای میزان حداقل دستمزد رقم میدهد. همین رقم شانزده میلیونی هم که در بیانیه این

صفحه ۳

به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید!

آخر سال و مبارزه برای افزایش دستمزدها

صفحه ۲

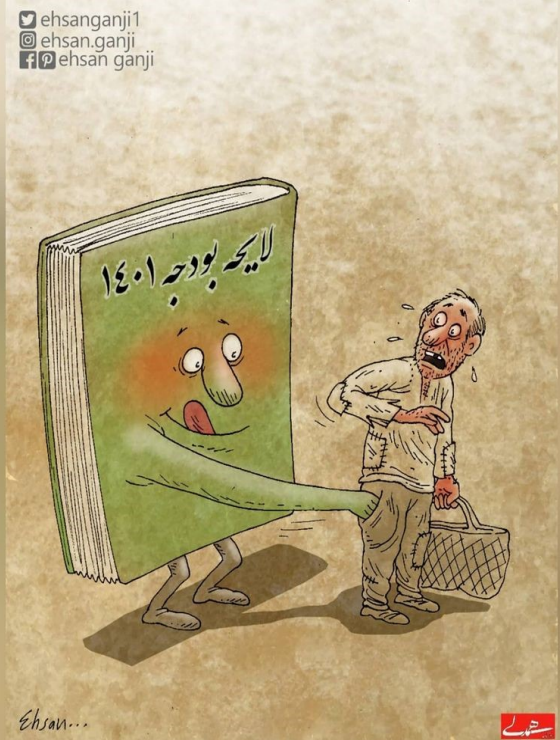
۶ تشکل اشاره شده رقم معقولی است. این تشکلهای در سال گذشته بر حداقل مزد دوازده میلیون و نیم تاکید کرده بودند و اکنون با احتساب رقم تورمی ۴۱ درصدی که خود حکومتیان داده اند که رقم واقعی اش بیشتر هم هست، به رقم شانزده میلیون رسیده اند. در هر حال این مساله مهمی است. ولی همانطور که شما نیز اشاره کردید مساله تعیین حداقل دستمزد به شکلهایی به مساله بودجه گره خورده است و میشود گفت این یکی از ویژگی های امسال است. از نظر شما مساله بودجه چگونه بر میزان حداقل دستمزد میتواند تاثیر گذار باشد؟

شهلا دانشفر: سوال مهمی است. در واقع لایحه بودجه دولت که در این هفته کلیات آن به تصویب رسید. زیر آب خیلی چیزها را میزند. در گمانه زنی هایشان گفته اند که دستمزد سال ۱۴۰۱ رقمی در حدود ۴ میلیون و پانصد هزار تومان خواهد بود البته با تمام مخلفات آن. ولی بدون مخلفات از سه میلیون و چهارصد هزار تومان صحبت میکنند. از طرف دیگر دارند میگویند یک منبع کسب درآمد برای جبران کسری بودجه دولت مالیات است. یعنی به مزد بالای ۵ میلیون تومان مالیات تعلق میگیرد. حال تصور کنید که حقوق کارگری که چهار میلیون و پانصد باشد. با اضافه کاری و عیدی و پاداش به پنج میلیون برسد، ده درصد مالیات به آن تعلق خواهد گرفت. یعنی از یکسو پول میدهند و از سوی

دیگر پس میگیرند. در حالیکه خیلی جاها این اضافه کاری ها اجباری است. بگذریم که در رده های دیگر مزدی اگر کارگری ده میلیون مزد بگیرد باید ۱۵ درصد مالیات بپردازد، و همینطور میزان مالیات پلکانی افزایش می یابد. بدین ترتیب کارگر نفتی که با شرایط سخت کارش برای رده های مختلف شغلی اش مزدی تعیین کرده بود، نه تنها گشایشی در وضع مزدی اش صورت نمی گیرد بلکه حالا باید ۱۵ تا ۲۰ درصد هم مالیات بپردازد. از همین رو امروز حرف کارگران، بازنشستگان، معلمان در اعتراضاتشان اینست که حکومت امروز میخواهد خزانه خالی اش را با جیب مردم پر کند. بعلاوه یک موضوع بحث آفرین دیگر در لایحه بودجه دولت حذف ارز دولتی ۴۲۰۰ تومانی است. که خودشان در نزاعهایشان دارند از وارد شدن شوک تورمی به جامعه به یکدیگر هشدار میدهند. با شوک تورمی دستمزد چهار میلیون و پانصد که با تمام مخلفاتش در نظر گرفته میشود به کجای کارگر میرسد و ببینید که چه بلایی دارد بر سر مزد کار می آید. موضوع دیگر هم خالی بودن صندوق تامین اجتماعی است. دولت به این صندوق بیش از ۴۰۰ هزار میلیارد تومان بدهکار است و این صندوق عملاً در ورشکستگی کامل است و پولهای آنرا بالا کشیده اند. گفته میشود این صندوق حتی در پرداخت حقوق بازنشستگان نیز با مشکل روبروست. الان آمده اند اقلامی از داروها را از همان بیمه حداقلی کارگران حذف کرده اند و کارگر باید خودش

پول آنرا پرداخت کند. برای مثال همین الان وقتی کارگری به بیماری کرونا مبتلا میشود باید کلی هزینه کند. با توجه به این هزینه ها ببینید چه چیزی از آن چندرغاز مزد کارگر به جا می ماند. به همین دلیل و بدست یک مساله چالش جنبش کارگری و بخش های مختلف آن یعنی معلمان، بازنشستگان، پرستاران و غیره با حکومت همین لایحه بودجه ای است که تصویب کردند. و این یک چالش سیاسی با چپاولگری حکومت است که دارد هر روزه زندگی و معیشت مردم را به تباهی میکشاند. از همین رو امروز معلمان و بازنشستگان در مبارزاتشان میگویند چگونه است که برای حوزه علمیه قم و صداوسیما جمهوری اسلامی و سپاه و غیره بودجه هست و بودجه آنها افزایش کلانی هم داشته است، اما برای ما معلمان و ما مردم بودجه ندارید. همچنین دیدید که چه بلایی بر سر طرح رتبه بندی مشاغل معلمان آوردند و بودجه ۳۲ هزار میلیاردی لازم آنها را به ۱۲۵۰۰۰ میلیارد تومان کاهش دادند و در مقابل فریاد اعتراض معلمان رساتر شد. همه اینها نشان میدهد که مساله بودجه مستقیماً به مبارزه برای خواست افزایش دستمزدها گره میخورد. به همین دلیل کارگری که بطور مثال امروز میگوید حقوق من باید ۱۶ میلیون باشد، در عین حال باید بگوید این لایحه بودجه شما را قبول نداریم. همانطور که شورای عالی کار شما را قبول نداریم و بر داشتن یک زندگی شایسته انسان تاکید کند. یک مثال دیگر اینست که دولت در طرحهایشان مساله

تبدیل وضعیت شغلی را هم حذف کرده اند. به این دلیل که دولت بر روی بودجه ۳۶ هزار میلیارد تومانی هزینه های مرتبط با پیمانکاران دستگاههای اجرایی مانور میدهد و میخواهد حدود ۲۰ هزار میلیارد تومان آنرا از پیمان کاران بگیرد. با این توجهی که ده هزار میلیارد تومان آنرا هم صرف بهبود قرار دادها کند. در همین راستا است که هم اکنون حکم اخراج هزاران پرستار با قرارداد موقت ۸۹ روزه را داده اند و به گفته خودشان هزاران کارگران نفت و درمان در همین وضعیت قرار دارند. در برابر همه این تعرضات اما حقوق نجومی بگیران و دزدی هایشان بردوام است. بنابراین ببینید چه تعرض گسترده ای را دولت در دستور کارش دارد. برای اینکه بار بحران و صندوق ورشکسته شان را بر گرده جامعه خراب کنند. قبلاً نیز سازمان برنامه و بودجه اعلام کرده بود که دلار



سراسر آبر قیمتش بالا خواهد رفت و از وارد شدن شوک تورمی به جامعه و ورشکستگی کامل اقتصادی حکومت گزارش داده بود. و اکنون می بینیم که با چه شتابی اوضاع به آتسو میرود و چه جدال بزرگی بین مردم و این حکومت بر سر زندگی و معیشت در پیش خواهیم داشت. **حسن صالحی:** واقعا میشود گفت که دولت دارد از جیب مردم درآمدهایش را تامین میکند. و این جیب بری در روز روشن است. و از حاصل کار و زحمت مردم میخواهد کمبود بودجه خود را جبران کند. اما یک نکته دیگر که خوبست صحبت کنیم. مرجع تعیین دستمزد است. میدانید که شورای عالی کار که تصمیم گیرنده میزان حداقل دستمزد ها است و این نهاد از نمایندگان دولت، کارفرما و نمایندگان کانون عالی شورای اسلامی و کانون عالی انجمن های صنفی که آنها نیز

هیچ دستمزدی نباید کمتر از ۱۲ میلیون باشد!

آخر سال و مبارزه برای افزایش دستمزدها

صفحه ۳

دست ساز حکومت هستند، شکل گرفته است. در این مرجع تصمیم گیری از کارگر خبری نیست. در کشورهای مدرن و پیشرفته به هر حال تشکلهای کارگری هستند. قراردادهای سراسری می بندند قراردادهای دو ساله و سه ساله می بندند. جلسات تصمیم گیری بعضا با حضور دولت و کارفرمایان و یا فقط با کارفرمایان دارند. از نظر شما مرجع تعیین دستمزد چه کسی باید باشد؟

شهلا دانشفر: سوال کلیدی ای است. مرجع تعیین حداقل دستمزد سالانه کارگران نمایندگان منتخب مجامع عمومی کارگری با دولت هستند و ما در برنامه حزب اعلام کرده ایم که افزایش نرخ دستمزدها باید سالانه از طریق مذاکره جمعی نمایندگان تشکل های کارگری در مقیاس سراسری با نمایندگان سراسری کارفرمایان و دولت انجام گیرد. در کشورهای پیشرفته همانطور که اشاره کردید بالاخره کارگران تشکلهایی دارند و در یک سطحی در تعیین شرایط کار و دستمزد خود نمایندگی میشوند. اگر چه در این کشورها نیز در این سه جانبه گری نمایندگان دولت و کارفرمایان در کنار یکدیگر مقابل نمایندگان کارگران قرار میگیرند و باز وزن نمایندگان اردوی سرمایه در مقابل اردوی کار سنگین تر است. ولی باز خودش یک پیشرفت است. اما در جامعه ای که کارگران از داشتن حق تشکل سراسری خود محرومند. همانطور که اشاره

شد بر اساس طرح سه جانبه مسخره خودشان که دو نفرشان نمایندگان دولت هستند، سه نفرشان نمایندگان کارفرما و سه نفر دیگرشان هم تحت عنوان "نماینده کارگر" منتخب تشکل های دست ساز خود حکومت هستند، کارگران هیچ مکانی ندارند. و این چیزی است که سالها کارگران به آن اعتراض دارند و شورای عالی کار را قبول ندرند و با اعلام اینکه ما برده نیستیم که از بالای سر ما بر سر مزدمان تصمیم گیری شود، خودشان رقم تعیین کرده و وارد عمل مستقیم شده و در قامت یک مرجع دارند قد علم میکنند. این چیزی است که در بیانیه های کارگری از جمله در سال گذشته در بیانیه کارگران نفت بیان شد. بدین ترتیب ما شاهد رودرویی کارگر با دولت هستیم. طبعاً روشن است که میزان حداقل دستمزد بستگی پیدا میکند به اینکه کارگر چقدر زورش برسد و بتواند تعرض حکومت به زندگی و معیشت خود و کل جامعه را عقب بزند. اینجاست که اعتراض و قدرتمندی سراسری کارگران، متحد شدن بخش های مختلف طبقه کارگر در این مبارزه، تجمعات و اعتصابات سراسری، بیانیه های جمعی و گرد آمدن حول خواسته های واحد نقش کلیدی ای در تقویت و گسترش اجتماعی جنبش برای خواست افزایش دستمزدها دارد. به عبارت روشنتر به هر درجه که صف کارگران در این مبارزه وسیعتر و متحد تر باشد، کارگر در این مبارزه موضع قویتری خواهد داشت. و با قدرت بیشتری خواهد توانست تعرضات حکومت مافیایی چپالگر حاکم را عقب بزند.

بوژه امروز که حکومت با لایحه ریاضتی بودجه و پروار کردن دستگاهها سرکوب و خرافه اش میخواهد بار ورشکستگی اقتصادی اش را به دوش کارگران بیندازد با قدرت تر میشود و باید این تهاجم را خنثی کرد. ضمن اینکه نفس این گفتمان ها صف کارگر را در این مبارزه متحد تر کرده و توقع کارگر و جامعه را از سطح معاشی که باید داشته باشد بالا تر میرد.

خوشبختانه امروز مبارزه بر سر خواست افزایش دستمزدها و لایحه ریاضتی حکومت گسترده است. ما شاهد اعتراضات گسترده و با شکوه معلمان در سطح سراسری بر سر همین موضوع هستیم و آنها با اتکاء به شورایی تصمیم گرفتن هر روز سازمان یافته تر و قدرتمند تر دارند به جلو می آیند. نمونه دیگر اعتراضات بازنشستگان کارگران چگونه با اعتراضاتشان و با بیانیه های مشترکشان این گفتمان ها را دارند به جلو میبرند. و یک اتفاق مهم نیز در مبارزه بر سر خواست افزایش دستمزدها در دو ساله اخیر ورود کارگران نفت به این اعتراضات است. بنابراین تصویر به این سادگی نیست که کارگران بنشینند و با نمایندگان دولت بر سر مزد مذاکره کنند. بلکه بحث بر سر یک جدال هر روزه بر سر زندگی و معیشت است که یک مطالبه مهم کارگران افزایش سطح دستمزدهاست. و در این جدال کارگر نه تنها خواهان افزایش حقوقها و تناسب آن با هزینه واقعی سبد هزینه است، بلکه خواستار برچیده شدن حقوقهای نجومی هست و به این بساط تبعیض و نابرابری اعتراض دارد.

بنابراین این یک مبارزه کاملا سیاسی است. بوژه امسال که یک موضوع آن چالش لایحه بودجه است. و نیز یک مبارزه وسیع اجتماعی است که همه بخش های طبقه کارگر را در بر میگیرد. خلاصه کلام اینکه مساله تعیین کننده در رابطه با سطح حداقل دستمزد کارگر توازن قوای سیاسی موجود، دستاوردها و پیشروی های طبقه کارگر و سطح استاندارد زندگی در کل جامعه است. و امروز یک وجه از جدالی که کارگر بر سر این موضوع دارد، جدال با تبعیض و نابرابری و دزدی ها و چپاولگری سرمایه داری حکم است.

حسن صالحی: معمولا در اسفند ماه میزان حداقل دستمزد را اعلام میکنند. الان ما در دیماه هستیم و بهمین و اسفند ماه را پیش روی خود داریم. در این مدت کارگران باید چه بکنند؟ پیشروان و فعالین جنبش کارگری بخصوص چه گفتمان هایی را بر سر زبانها بیندازند و چه اتفاقاتی باید در این عرصه در اردوی کار صورت بگیرد؟

شهلا دانشفر: اولین تاکید من اینست که همین بحث هایی که اینجا داشتیم را باید همه جانبه در محافل و بخش های مختلف کارگری از جمله معلمان، بازنشستگان، پرستاران به پیش برد و به گفتمان سراسری تبدیل کرد. یک اجماع نظری سراسری در این مورد به شکل سراسری کمک میکند. الان بخشی از تشکلهای کارگری بیانیه داده اند. بخش های مختلف کارگری باید همبطنطور متکر حرکت های جمعی و بیانیه های جمعی باشند و وارد میدان بشوند. انتظاراتشان را

مطرح کنند. فرض کنید این تشکلهای گفته اند حداقل مزد ۱۶ میلیون، حالا تشکلهای معلمان، بازنشستگان هم میگویند ۱۶ میلیون این یک چتری سراسری به اعتراض میدهند. اما جدا از دادن رقم باید فاکتور اعتراض به لایحه بودجه دولت را هم وارد کنند. این مساله هنوز در رابطه با مساله تعیین حداقل دستمزد آخر سال وارد مباحث نشده است. الان در رابطه با کارمندان یعنی کارکنان دولت هم گفته اند که به حقوقشان ده درصد اضافه میشود ولی حداقل آن چهار میلیون و پانصد تومان خواهد بود که وقتی هم به ۵ میلیون برسد مشمول مالیات میشود. به نظرم همه اینها یک صف واحد از اعتراض به دستمزدها و حقوق زیر خط فقر را باید تشکیل دهند. بیانیه های مشترک، تجمعات اعتراضی و سازمان یافته مشترک، همانطور که سال گذشته در همین مورد تجمعی گذشته شده بود و نیز ورود قدرتمند کارگران نفت در این مبارزه همه و همه اجزای مختلف پیشروی جنبش برای خواست افزایش دستمزدها هستند. و خوشبختانه اپلی کیشن هایی مثل کلاب هاس و گروههای مبارزاتی در تلگرام و دیگر برنامه ها مدیای اجتماعی خدمت میکند به این گفتمان سازی ها و شکل دادن به اتحادی سراسری بر سر خواست افزایش دستمزدها. در دل چنین حرکتی است که کارگران متشکل تر، سازمان یافته تر و قدرتمندتر میتوانند جلو بیایند و اعتراضشان را به پیش برند.

حسن صالحی: ممنون که در این برنامه شرکت کردید.

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!



غارقی دیگر، این بار بانک رفاه کارگران

صفحه ۱ بیمه‌ی

کارگران مشمول قانون کار تاسیس شود، بانک رفاه از محل منابع «سازمان بیمه‌های اجتماعی کارگران» پا به عرصه گذاشت. با این حساب، بانک رفاه قبل از تامین اجتماعی، متعلق به طبقه‌ی کارگر بوده است. و سالها بعد رسماً به سازمان تامین اجتماعی تعلق گرفت. در گزارش فوق میخوانیم که از پول کارگران در کنار شستا چه سرمایه عظیمی بهم زده اند: مجموع دارایی‌های بانک رفاه در خرداد سال ۱۳۹۹ بالغ بر ۱'۶۱۳'۸۵۵ میلیارد ریال (بیش از ۷ میلیارد دلار) برآورد شده است. در سال ۱۳۹۸ حجم سپرده‌های سرمایه‌گذاری جذب شده توسط بانک رفاه کارگران معادل ۱،۱۴۸،۷۵۴ میلیارد ریال بوده که نسبت به سال پیشین آن ۳۷ درصد رشد داشته است. و تنها خدمتی که این بانک، سوای کارهای معمول بانکهای دیگر ارائه میدهد، پرداخت مستمری بازنشسته‌گان تامین اجتماعی است که بیش از ۱۳ میلیون خانواده کشور مستمری بگیر" تامین اجتماعی را در بر میگیرد. در واقع تامین اجتماعی بواسطه اینکه در سالهای گذشته توسط هر باندی که بر این سازمان تسلط یافته غارت شده و بدلیل عدم پرداخت بدهی کلان دولت به این سازمان است که تا اسفند ماه سال ۹۹ این بدهی به ۳۰۰ هزار میلیارد تومان رسیده در آستانه ورشکستگی است. بنابراین این سازمان مجبور بوده هر ماهه از بانک رفاه "استقراض" کند تا مستمری

بازنشسته‌گان را پرداخت کند. حال برای اینکه بانک رفاه کارگران که طبق گزارش ایلنا "وضعیت مطلوبی دارد" بالا بکشند کلاه شرعی هم ساختند. طبق گفته علی اصلانی نامی که عضو تشکیلات سیاه شوراهاى اسلامی است "دولت اعلام کرده است که بانک رفاه به بانک مرکزی یا بانکهای دیگر ۶۴ هزار میلیارد تومان بدهکار است." این گزارش را میدهند تا زمینه بالا کشیدن این بانک را تحت عنوان ارائه سهام آن به بورس فراهم کرده باشند. جناب اصلانی پرسیدند: "خب سوال این است که چگونه وقتی تراز مالی این بانک منفی است می‌خواهند آن را به بورس ببرند؟" اما این همه داستان نیست. هنوز کلاه بزرگتری سر قانون خودشان باید بگذارند تا بتوانند آنرا دور بزنند. طبق قوانین و اسناد مصوب موجود حکومتی بانک رفاه بانک دولتی محسوب نمی شود. به گفته نویسنده گزارش ایلنا، نسرین هزاره مقدم: "... واگذاری از طریق الزامات

نیست؛ دولت و مجلس همچنان اصرار دارند که بانک‌های دولتی و بانک غیردولتی رفاه را یکجا به بخش خصوصی واگذار کنند و ظاهراً به هیچ عنوان بانک کارگری رفاه را از لیست واگذاری کنار نمی‌گذارند." این یعنی نقشه چپاول بخش بزرگی از اموال کارگران دارد به انتهای خود می‌رسد.

باند مخالف حاکم که از حکومت رانده شده اند و در تشکیلات سیاه شوراهاى اسلامی سمتی دارند تاکید می‌کنند بعد از این واگذاری "مستمری بازنشستگان به موقع پرداخت نخواهد شد." نگرانی ایشان دو جنبه دارد اولاً ایشان میدانند در این پروسه بالا کشیدن بانک رفاه کارگران چیزی گیر ایشان نمی‌آید و از سوی دیگر می‌دانند این کار موجبات اعتراضات بیشتر و وسیعتری را فراهم می‌کند. برای تبهکارانی که در حال فراهم کردن زمینه بالا کشیدن پول بیمه توسط خود کارفرما هستند و از روی شکم

سیری مستمری بازنشستگی را پول زور قلمداد می‌کنند و اصلاً نگران پرداخت شدن به موقع مستمری بازنشسته‌گان هم نیستند. تمامی کارگزاران رژیم اسلامی سرمایه تنها به فکر سهم خود از غارت تمام ثروت جامعه هستند.

بازنشسته‌گان اما در پی اعتراضات مستمرشان به میزان دریافتی شان توانستند تا حدی حکومت را وادار به عقب نشینی کنند. در این مورد هم خود کارگران شاغل و بازنشسته می‌توانند جلوی این غارت‌گری را بگیرند. نقشه پلید بالا کشیدن اموال کارگران (این بار بانک رفاه کارگران) باید در سطح وسیعی مطرح شود و همه کارگران، نه فقط بازنشسته‌گان، این را مسئله خودشان ببینند. بانک رفاه کارگران جزو اموال کارگران است. پول کارگران است، که در همه این سالها سودش به جیب از ما بهتران رفته است. غارت بانک رفاه باید به مسئله کارگران تبدیل شود تا بتوان جلوی نقشه پلید به یغما بردن آنرا گرفت.*

سرنگون باد رژیم دزدسالار اسلامی!

مجمع عمومی و شورا

صفحه ۱



سازماندهی و فراروی از خواسته‌های فوری یکی از اصلی‌ترین ویژگی‌های مبارزات اخیر کارگران بوده است. طرح مطالبات عمومی همچون، آموزش رایگان، لغو خصوصی‌سازی، قطع حقوق‌های نجومی و... باعث شده که امروز طبقه کارگر بیان‌کننده خواسته‌ها و مطالبات عمومی جامعه باشد. کارگران با اعلام آمادگی برای مبارزه‌ای همه‌جانبه بر علیه نظام سیاسی حاکم و نشان دادن درک خود از ریشه‌های ستم و نیز خلاقیت عملی در سازماندهی اعتراضات، خود را در قامت اداره‌کنندگان آینده جامعه معرفی می‌کنند. البته به مانند هر جنبشی در صفوف کارگران هم گرایش‌ها، تمایلات و رویکردهای متنوعی وجود دارد که نهایتاً متناسب با میزان رادیکالیسم مبارزه طبقاتی و پیوند ارگانیک هر کدام از این جریانات، نهایتاً یک رویکرد سیاسی-اجتماعی دست بالا را خواهد داشت، که این به معنای حذف سایرین نیست بلکه نتیجه اقبال بیشتر به آن نیرویی است که پاسخی همه‌جانبه، قاطع و انضمامی به نارضایتی‌ها و مطالبات داده است.

شورا یا سندیکا؟

یکی از موضوعاتی که تبدیل به مسئله روز و جاری جنبش کارگری شده، موضوع شورا، مجمع عمومی و اساساً اشکال مختلف شکل کارگری است. البته به دلیل اینکه در سالیان اخیر تقریباً تمامی اعتراضات و اعتصابات کارگری نهایتاً با اتکاء به شوراها و مجامع عمومی

مبارزه خود را پیگیری کرده‌اند، توجه بیشتری به این دو شکل از سازماندهی کارگری معطوف شده، بر این اساس جناح‌ها و گرایش‌های مختلف با توجه به برداشت سیاسی-طبقاتی خود مواضع متفاوتی را اتخاذ کرده‌اند، برخی شورا و مجمع عمومی را در مقابل دیگر تشکلهای کارگری قرار داده و از یک نوع شکل خاص در برابر شورا و مجمع عمومی حمایت می‌کنند و برخی دیگر با ترسیم یک دوگانه، شورا و مجمع عمومی را در یک نظام ارزش‌گذاری که هرکدام دارای بار ارزشی خاصی است قرار می‌دهند. اما به نظر می‌رسد در مبارزات جاری کارگران به شکل دیگری با این مسئله برخورد می‌شود. در اینجا سعی می‌کنم به طور مختصر به شیوه برخورد با سازمان کارگری بپردازم. در ابتدا لازم است یادآوری کنم که بنا ندارم به شکلی تکنیکی چارچوب شورا و مجمع عمومی را ترسیم نمایم، نه به این دلیل که فرصت و مجال این کار نیست بلکه اساساً به این خاطر که این نوع برخورد از ابتدا مکانیکی، غیرتاریخی و خارج از سنت انتقادی است. قرار نیست با سازمان کارگری همچون

به‌عبارتی هر سازمان کارگری علاوه بر زمینه اجتماعی شکل‌گیری آن، محصول ضرورت، خلاقیت و اراده جمعی کارگران آن بخش است. هرچند که می‌توان یک هسته سخت یا خصلت خاص در هر سازمان را ترسیم کرد که از این طریق موضع خود را نسبت به سازمان‌های مختلف روشن نمود. با این وصف در ادامه به ویژگی خاص مورد نظر خود در رابطه با سازمان کارگری خواهیم پرداخت.

شورا ابزار اعمال اراده توده کارگر

در اینجا فقط سازمان کارگری که محصول مبارزات کارگران باشد مورد نظر است. به این اعتبار این سازمان محصول عمل انقلابی سوژه تاریخ است.

کارگرانی که بر علیه کارفرما (سرمایه تجسد یافته) یا به‌عبارتی کل طبقه بورژوازی اقدامی می‌کنند، در صورت بالفعل کردن امکان‌های موجود در مبارزه قادر به ایجاد سازمان طبقاتی هستند (البته عوامل دیگری از جمله توازن قوای طبقاتی موجود در جامعه و اقتصاد سیاسی حاکم قطعاً در این فرایند موثر است). ویژگی اصلی این سازمان باید دموکراسی حداکثری مبتی بر اراده جمعی باشد. این همان پایه تئوریک و عملی است که می‌توان بر اساس آن نسبت خود را با هر سازمان کارگری مشخص کرد. سندیکا، اتحادیه، شورا، مجمع عمومی، کمیته و... یا باید واجد این ویژگی باشند و یا در مسیر تحقق این امر قدم

کارگر کمونیست

مسئولیت مطالب با نویسندگان آنهاست. درج مقالات در کارگر کمونیست لزوماً به معنی تأیید مضمون آنها از جانب نشریه نیست.

سایت حزب : www.wpiran.org

سایت تلویزیون کانال جدید: www.newchannel.tv

سایت روزنه: www.rowzane.com

سایت کارگر کمونیست

www.wpiran.org/kargar_komonist

پرونده سازی علیه فعالین کارگری و جنبش‌های اجتماعی ممنوع!

مجمع عمومی و شورا

صفحه ۴ بردارند.

به این ترتیب نه با معیارهای مکانیکی یا اخلاقی بلکه با رویکردی تاریخی می‌توان اقدام به ارزیابی سازمان‌های مختلف کارگری کرد. از این زاویه است که موضوعاتی چون علنی یا مخفی، تشکیلات پایدار یا ناپایدار، متمرکز یا غیر متمرکز و اساساً هر شکلی از دوگانه سازی‌هایی از این دست بلاموضوع و از دستور کار خارج می‌شود. دیگر لازم نیست با ذره‌بین به دنبال اسامی مشخصی بگردیم تا از آنان به عنوان اعضاء یک تشکل کارگری نام ببریم. همچنین هیچ نیازی به افتادن به گرداب مقایسه یک سازمان کارگری با نمونه داخلی یا خارجی آن نیست. یا اینکه به عنوان قیم یا متولی مبارزه کارگران اقدام به تجویز نسخه حاضر و آماده‌ای کنیم و نهایتاً این تصور را داشته باشیم که حقیقتی ابدی و ازلی در شکل خاصی از تشکل کارگری وجود دارد که از قضاء خود ما در جریان فعالیت آن را تجربه و ایجاد کرده‌ایم. با این رویکرد می‌توانیم به موضوع شورا و مجمع عمومی بازگردیم. تجربه مبارزاتی کارگران نیشکر هفت‌تپه، فولاد اهواز، کارگران پروژه‌ای نفت و شورای هماهنگی معلمان به وضوح

بیان‌کننده‌ی شکل ویژه‌ای از سازماندهی و تدارک کارگری، برای پیشبرد خواسته‌ها و مطالبات است. از محافظت از اموال کارخانه در برابر غارت کارفرما در فولاد اهواز و شورای چند هزار نفره کارگران هفت‌تپه تا برگزاری مجامع عمومی متعدد و بیانیه‌های مترقی شورای سازماندهی کارگران پروژه‌ای و همین اواخر اعتصاب و تجمعات متحدانه و سراسری معلمان همگی نشان‌دهنده این هستند که طبقه کارگر از طریق رهایی از قید و بندهای متعارف سازمان‌یابی، توانسته اقدامات موثری برای تحقق خواسته‌های خود انجام دهد. علاوه بر آن توانسته بخش‌های دیگر طبقه و به عبارتی کل جامعه را با اتکاء بر مطالبات عمومی با خود همراه کند. شکل‌گیری مجامع عمومی در راستای پیشبرد اهداف کارگران است. این شکل از سازمان‌یابی (که الزاماً قرار نیست در این چارچوب باقی بماند) توانسته به نحوی دموکراتیک و بر مبنای اراده جمعی کارگران چندین دستاورد را به طور همزمان رقم زند. اولاً حفاظت امنیتی مناسبی را برای کارگران در برابر دستگاه سرکوب قرار داده که با دستگیری تعدادی از کارگران قادر به توقف فعالیت سایر کارگران نباشد. ثانیاً از طریق مشارکت هرچه بیشتر کارگران توانسته توازن قوا در

مقابل کارفرما یا دولت را به نفع کارگران تغییر دهد. ثالثاً الگوی مترقی و رادیکالی را پیش پای جامعه قرار داده که به جای آن شکل از دموکراسی نیابتی و نمایندگی، اشکال بدیل دیگری برای اداره جامعه ممکن است. با توجه به این دستاوردها، که به این موارد هم محدود نمی‌شود، آیا بیان این گزاره که "مجمع عمومی تشکیلات نیست" محلی از اعراب دارد؟ زمانی که از دایره تنگ مقایسه فنی یک سازمان با سازمان دیگر خلاص شویم و هر سازمان را بیان خاصی از محتوای مبارزاتی کارگران در نظر بگیریم، در جملاتی مثل اینکه "مجمع عمومی یک ابزار تصمیم‌گیری است که در شرکت‌های بازرگانی و سازمان‌های اداری هم موجود هست و کارگران باید تشکیلات پایدار ایجاد کنند" چیزی جز بلاهت قابل مشاهده نخواهد بود. در حالی که کارگران با تصمیم جمعی، خواسته‌های خود را رو به جامعه و در برابر کارفرما مطرح می‌کنند و هیچ اعتباری برای چانه‌زنی پشت درهای بسته و طومار نویسی قائل نمی‌شوند. آیا برگزاری جلسه در فضای مجازی برای برشمردن مزایای سندیکا، نوعی اعوجاج فکری نیست؟ در رابطه با شوراها یک ایرادگیری معمول دیگر اینست که شورا متعلق به دوران انقلابی و قدرت دوگانه

است. با اینکه این ایراد اساساً بیرون از چارچوب تحلیل طبقاتی قرار دارد اما باید یادآوری کرد که از حدود دو قرن پیش به این سو، تفکر بشری این شکل از اندیشیدن را که برای پدیده‌ها، موضوعات و وقایع جنبه‌ای ناب و ایستا قائل می‌شد، کنار گذاشته است. با شورا نمی‌توان همچون یک شرکت سهامی یا وزارتخانه برخورد کرد که دارای چارت سازمانی و ساختاری متعارف است که در هر دوره‌ای باید آن را بر اساس قوانین و قواعد مرسوم بنا کرد. اگر شورا را ظرف اعمال اراده و دخالت حداکثری کارگری بدانیم، می‌توانیم کماکان بر سر اداره شورایی اصرار بورزیم و در عین حال ویژگی‌های تاریخی، اجتماعی و سیاسی خاص آن را نیز در نظر بگیریم. به این اعتبار اگر معلمان، کارگران هفت‌تپه و کارگران پروژه‌ای از اداره شورایی سخن می‌گویند یا اقدام به سازماندهی خود در درون شوراها می‌کنند به این معنی است که حداکثر رادیکالیسم موجود درون این بخش از طبقه کارگر قابل رویت شده و تعهد انقلابی ایجاد می‌کند به تکثیر و بسط این رادیکالیسم در جامعه و تقویت اتحاد در میان سایر بخش‌های طبقه کارگر اقدام کرد. تنها از این طریق است که می‌توان میز بازی وضع موجود را

منهدم و میدان جدیدی برای نقش‌آفرینی و اداره جامعه ترسیم نمود. در نهایت لازم است مختصراً به نکته‌ای اشاره کنم، تاکید بر جنبش شورایی و ایجاد شوراهای کارگری را نباید به عنوان یک سلیقه سیاسی یا احیاناً انتخابی فردی تلقی کرد که افراد، احزاب و تشکل‌ها مخیر هستند یکی از گزینه‌های روی میز را انتخاب کنند. تبیین و دفاع از شکل خاصی از اداره جامعه و سازمان طبقاتی نتیجه منطقی یک رویکرد و جهتگیری خاص سیاسی است که ریشه در برداشت و درکی مشخص از واقعیت اجتماعی دارد. به این ترتیب مابه‌ازای عملی این تحلیل کلی در فعالیت عملی انتخاب صرف نیست، لذا نباید با ساده‌انگاری این حجم از مخالفت با اداره شورایی و مجامع عمومی را بدفهمی و ایراد تئوریک فرض کرد. دقیقاً باید نشان داد که این جریانات مخالف (در صورتی که واقعاً بخشی از جنبش کارگری باشند، نه صرفاً یک تشکل مجازی یا یک کانال تلگرامی که بیشتر از سر‌هویت‌طلبی اقدام به مداخله در جنبش کارگری می‌کنند) در کدام جناح از جنبش کارگری ایستاده‌اند و آماج نقد را به جایگاه سیاسی طبقاتی آنان معطوف کرد.*



نه به حکومت مافوق مردم، آری به حکومت شورایی!

تباهی کودکی در دنیای سرمایه داری (i)



نامه ای به نام "پیمان نامه حقوق کودک" در سال ۱۹۸۹ به تصویب سازمان ملل می رسد. سال ۲۰۰۲، روز ۱۲ ژوئن برای مبارزه با کار کودکان تعیین کرد.

به روایتی "پیمان نامه حقوق کودک در حالی به تصویب رسید که شرایط زندگی کودکان سراسر دنیا در وضعیت اسفناکی قرار گرفته بود. زمانی که ۲۰۰ میلیون کودک آواره به کار سخت، جرم و جنایت، روسپیگری و تکدی روی آورده بودند. هنگامی که ۱۲۰ میلیون کودک شش تا یازده ساله به مدرسه نمی رفتند، ۱۵۵ میلیون کودک زیر ۵ سال در فقر مطلق زندگی می کردند و میلیون ها نفر دیگر، قربانیان بد رفتاری و سوء استفاده های جنسی بودند و از آنان غفلت شده بود." (iii) اکنون نیز وضعیت بهتر از گذشته نیست. "آمار منتشر شده در سال ۲۰۱۷، از وجود ۱۵۲ میلیون کودک کار گزارش می کرد که از این تعداد ۷۳ میلیون نفر در کارهای خطرناک مشغول کار بودند. آفریقا با ۱۹/۶ درصد بالاترین و اروپا با ۴/۱ درصد پایین ترین آمار کودکان کار را داشتند. حدود نیمی از کل کودکان کار در

قابل توجه شده که سازمان ملل سال ۲۰۲۱ را سال پایان کار کودک اعلام نموده! ظاهراً این "تصمیم به منظور تحرک بیشتر و سرعت بخشیدن به حرکت دولت های عضو آن سازمان، در مسیر حرکت به سوی جهانی عاری از کار کودک اتخاذ گردیده است. بر اساس این تصمیم، دولتهای عضو موظف اند اقداماتی که تاکنون برای کاهش کار کودکان صورت داده اند را مورد بازبینی قرار داده و تصمیمات جدیدی را اتخاذ نمایند که منتهی به لغو کار کودک در کشور خود، تا پایان سال ۲۰۲۵ گردد." (ii) سازمان ملل خواب نما نشده که به چنین تصمیمی رسیده است بلکه بدین خاطر است که مبارزه علیه کار کودک و حقوق کودک به یک پدیده جهانی تبدیل شده است و به هیچ صورت نمی توانند آنرا کتمان کنند. عملی شدن محو کار کودکان به مبارزه علیه استثمار کودکان بستگی دارد نه اراده نداشتن دولت های سرمایه داری. هر وقت انسان توانست پشت گوش خود را ببیند این تصمیم بدون مبارزه علیه کار کودکان از طرف دول سرمایه داری شدنی می گردد.

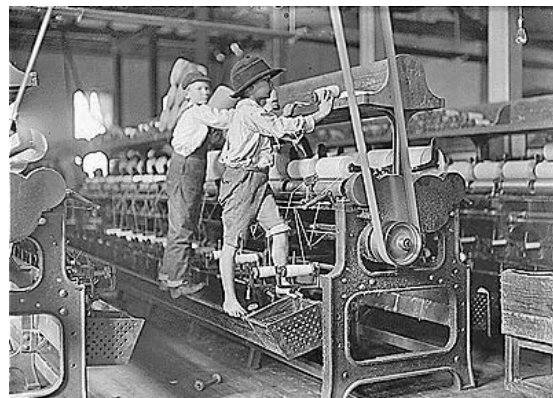
پیش از این تصمیم، پیمان

ممکن را برای او در نظر می گیرد (تازه اگر دبه نکند و آنرا کامل بدهد)، بی هیچ شرمی و پاسخگویی به جایی و یا به کسی توهین و تحقیر و کتک زدن را نیز چاشنی بهره کشی از کودکان می کند.

در ایران تحت حاکمیت رژیم اسلامی سرمایه که اساساً کودک را به عنوان یک انسان برسمیت نمی شناسد بلکه ملک "ولی قهری" (پدر و جد پدری) تعریف کرده که هر گونه دخل و تصرفی در این ملک برایش مجاز است، حتی در حد نابودی آن. حکومت اسلامی با فلاکتی که بر جامعه تحمیل کرده سبب شده که بخش وسیعی از کودکان راهی خیابان و کارگاهها شوند و به شدیدترین شکل ممکن به استثمار کشیده میشوند. در جمهوری اسلامی حتی در بخش هایی مانند کوره پزخانه ها دیده میشود که سن کودکی در ۵ و ۶ سالگی به پایان میرسد. این شرایط مختص ایران نیست و به پدیده کودکان کار در ایران برخوایم گشت. اما پیش از آن لازم است به برخورد جهان سرمایه داری به پدیده کودکان کار اشاره ای شود.

تصمیمی از سرناچاری پدیده کار کودک چنان غیر

صفحه ۱ به انسان شناسی سرمایه دارها، سن کودکی در ۱۰ سالگی یا نهایتاً در ۱۱ سالگی به پایان میرسد. بهره کشی از کودکان "با پیدایش تولید کارگاهی به جای کارگاه های پیشه وری، رد و آثار استثمار کودکان آشکار می شود." (i) استثمار کودکان شدت و ضعف داشته اما هیچگاه متوقف نشده و اکنون در دهه سوم قرن بیست یکم این پدیده نه تنها محو نشده بلکه همچنان کودکان زیادی در سراسر جهان، کودکی شان بواسطه سود سرمایه تباه میشود. در دورانهای پیش از سرمایه داری کار اجباری کودکان وجود داشته که یا همپای بزرگسالان به بردگی کشیده می شدند و یا همراه خانواده برای ارباب کار می کردند. با این وجود برده داری هنوز به اشکالی به حیات خود ادامه می دهد. "برده داری نوین" که از نیاز باندهای مافیایی سرمایه در گوشه گوشه جهان شکل گرفته است. به روایتی از هر ۴ قربانی برده داری مدرن، یکی از آنها کودک است که بیشتر خود را در سواستفاده از کودکان در زمینه جنسی، کودک سرباز و بدترین نوع کار کودکان و قاچاق مواد مخدر و... نشان می دهد.



کارگران بیدارند، از استثمار بیزارند!



تباهی کودکی در دنیای سرمایه داری (i)

صفحه ۸

سنین بین ۵

تا ۱۱ سال قرار داشتند. ۵۸ درصد پسران و ۲۴ درصد دختران بودند. ۷۱ درصد در بخش کشاورزی، ۱۲ درصد در صنعت و ۱۷ درصد در مشاغل خدماتی مشغول بودند. (iii) و باید حتما به این نکته توجه داشت آمارهای فوق بر اساس

آمارهای دولتهای سرمایه داری تهیه و تنظیم می شود و تا آنجا که ممکن است درصد این آمار را کاهش می دهند. آمارها بی روحند؛ بر فرض صحت آمارهای ارائه شده، باید تاکید کرد که این آمارها به هیچوجه بیان کننده استثمار بی و حد حصر کودکان در سراسر جهان و رنج و غذایی که به آنها در سنین کودکی تحمیل می شود نیستند. به روایت سایت ایما در روز ۱۲ ژوئن " دولت‌ها و نهادهای محلی، جامعه مدنی و جهانی، کارگرها و کارفرمایان به گرد هم جمع می‌شوند تا مشکل کودکان کار را مطرح کنند. " اما طرح مشکل کودکان کار هم نتیجه مبارزه روزافزون علیه کار کودکان است و گر نه دولتها و کارفرمایان که بخشی از سود خود را از استثمار کودکان تامین شده می یابند، کار کودکان را مشکل نمی دانند. اگر هم بدانند بقول سایت مذکور تنها آنرا مطرح می کنند و برای یک روز پیرامون آن سخن فرسایمی خواهند کرد اما عملا با

سازمان ملل و تصمیم خاتمه کار کودکان تا سال ۲۰۲۵!!

هر درجه ای از پیشرفت تکنولوژی در سرمایه داری مانع استثمار کودکان نبوده است. اگر مجبور به اذعان به استثمار و بهره کشی و سواستفاده از کودکان از میدان جنگ تا اعماق معادن شدند، تماما به مبارزه ای بر میگردد که علیه کار کودکان بر سرمایه تحمیل شده است. ماله کشان سرمایه و استثمار در تولید سرمایه داری مدام به این اشاره دارند که سرمایه داری تغییر کرده و در قرن نوزدهم آن هم در انگلستان پدیده کودکان کار به شدت مطرح بوده است. و اشاره می کنند که بواسطه رمان "الیور



اعتصاب میکنند! اگر آزادی کار کردن کودکان در هر سنی برای ده ساعت کار سلب شود، کارخانه هایشان را تعطیل خواهند شد. (!) و در فصل سیزدهم نیز، ذیل بخشی با عنوان "تصاحب نیروهای کار اضافی توسط سرمایه. کار زنان و کودکان" به این می پردازد که چگونه "کار اجباری برای سرمایه دار جایگزین بازی کودکان" می شود و چگونه با بکار گرفتن کل خانواده کارگری درجه استثمار را بالا می برند. مارکس همچنین شواهد زیادی هم با اتکاء به گزارشات خود بورژوازی در هر دو فصل از شرایط فاجعه بار حاکم بر کار و زندگی کودکان کار و نیز زنان ارائه میدهد. و اینکه چگونه در دوره "تولید کارگاهی" با بکارگیری زنان و کودکان "مقاومت کارگران مرد... در مقابل استبداد سرمایه... در هم می شکنند." (ii) موانع بنیادین لغو کار کودک در ایران و جهان- قاسم حسینی (iii) نگاهی به تاریخچه حقوق کودک به بهانه ۱۲ ژوئن روز جهانی مبارزه با کار کودکان - سایت شهرآرانیوز

شک کودکان از اولین قربانیان سیاستهای هستند که بر مبنای "هیچ چیزی به عنوان جامعه وجود ندارد" شکل می گیرند. خلاصه کلام اینکه تنها یک راه برای پایان دادن به کار کودکان است و آن مبارزه همه جانبه علیه سرمایه است. و آنچه که تاکنون نیز موجبات حقوقی برای کودکان گردیده نتیجه همین مبارزه بوده است. توجه گران سرمایه داری هم نمی توانند به مبارزه کارگران در این رابطه اشاره نکنند اما نهادی مانند کلیسا (یکی از دشمنان مهم کودکان) را هم به آن می چسباندند تا اذهان را از مبارزه اصلی علیه کار کودک منحرف سازند.

(ادامه دارد)

پاورقی:

(i) مارکس مشخصا در فصل هشتم سرمایه، جلد اول به چگونگی شکل گیری این پدیده در روند بررسی مبارزه برای کار متعارف روزانه می پردازد که چگونه سرمایه داران به هزاران ترفند زمینه استثمار کودکان را فراهم می کنند و از کار آنها سود فراوان به جیب میزنند و به موردی اشاره میکند که در نوع خودش جالب است. در برهه ای سرمایه داران تهدید به

تویست" چارلز دیکنز و اقدامات یک نهادی مانند کلیسا یک جورهای این مسئله کار کودکان و سروسامان گرفته است! این در واقع آدرس غلطی است که توجیه گران نظام طبقاتی- سرمایه می دهند. مهمترین دلیل رد این آدرس غلط وجود وسیع کودکان کار و خیابان در ایران و جهان است. تصمیم سازی سازمان ملل برای محو کار کودک به تنهایی خود گواه فاجعه ای است که در چهار گوشه دنیا بر سر کودکان آوار شده است.

تصمیم اینکه تا سال ۲۰۲۵ کار کودکان خاتمه داده شود فقط یک ژست است و هیچ تضمین عملی ای ندارد. چون از سوی نهادهای (که آنها هم وابسته به سازمان ملل هستند) مانند صندوق بین المللی پول که زیر نظر شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد کار می کند، و بانک جهانی که در نوامبر ۱۹۴۷ با تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد به جرگه نهادهای تخصصی سازمان ملل متحد پیوسته، توصیه هایی به دول حاکم بر جهان شده مبتنی بر ریاضت کشی و بی مسئولیت شدن کامل دولت در قبال اعضای جامعه شده است. بدون

کار کودکان ممنوع!



و هدفمند است. همه مثالهایی که می‌توانند به ذهن من و شما خطور کنند را مردم با ابتکارات خودشان انجام می‌دهند؛ اما حرف من این است که اینها باید سازمان داده شوند و مردمی که درگیر این کارها هستند، احساس کنند این اعتراضات رهبری دارد. اگر در حالت نسبتاً عادی یک فعال سیاسی اتوریته نیست و یا حرف و فراخوانش، ظاهراً، مورد بی‌اعتنایی قرار می‌گیرد، در بحبوحه اعتراضات فراخوانش مخاطب دارد. فراخوان و نقشه عملش، البته که باید زمینی و کنکرت باشد. باید منافع و مصالح انقلاب در این نقشه عملها در نظر گرفته شوند.

بطور خلاصه آنچه که تاکنون مد نظر این یادداشت بود، این است که نبود ستاد رهبری اعتراضات و ایجاد تشکل و کمیته‌های سازمانده اعتراضات در محلات و در شهرها، که می‌تواند فی‌البداهه هم باشند، حلقه اصلی گم شده اعتراضات این دوره در ایران است. فعالین سیاسی میدانی باید یک فکر جدی به این کمبود بکنند.

ستاد رهبری انقلاب در فاز بالاتر

من قبلاً هم در نوشته‌های مختلف گفته‌ام که اگر انقلاب دور بگیرد و روی غلطک بیافتند، گرایش‌های جایگاه خودشان را در ادامه و یا عدم تمایل به ادامه آن نشان خواهند داد. بالاخره هر

حلقه گم اعتراضات توده‌ای

صفحه ۱

جواب به این سؤال اگر ایران علی‌العموم را برای یک لحظه کنار بگذاریم و به یک نکته مشخص از این جغرافیا - نیشکر هفت تپه - توجه کنیم، می‌توانیم به جوابی دست بیابیم. از حداقل هفت هشت ده سال گذشته اعتراضات در مجتمع نیشکر هفت تپه یک لحظه خاموش نشده اند. کارگران دائم در صحنه بوده و بارها مأموران رنگارنگ رژیم را خیط کرده اند. کارگران نیشکر هفت تپه متشکل و متحد هستند! اما این "تشکل" و "اتحاد" چگونه تأمین می‌شود.

انقلابات و اعتراضات تحركات از قبل تعیین شده و برایش برنامه ریخته شده نیستند. عینی و خودبخودی هستند و جرقه هر کدام از آنها هر آن امکان دارد توسط یک اتفاق ساده زده شود. اگر چه خودبخودی هستند، اگر چه توده‌های میلیونی بطور خودبخودی و بدون برنامه از قبل وارد این اعتراضات توده‌ای که منجر به انقلابات شده می‌شوند، اما این بدان معنا نیست که یک فعال سیاسی بدون هدف و بدون یک برنامه معین وارد انقلابی می‌شود. منظورم این نیست که فردا که اعتراضات خیابانی مثل سال ۹۶ و ۹۸ شروع شدند، فعال سیاسی اعلامیه به دست برای عضوگیری برای حزب و محفلش به صف این اعتراضات بپیوندد. اینها، به نظر من، در یک سطح دیگری وارد بحث می‌شوند که بحث در این باره هدف این نوشته نیست. بحث من این است که وقتی که مردم وارد خیابان شدند، رژیم از قبل برای مقابله با آن برنامه دارد. گله سرکوبگرش را روانه خیابان می‌کند که با زدن و دستگیر کردن به آن خاتمه بدهد. مردم هراسیده و

مندرج در برنامه "یک دنیای بهتر" فراهم شود. نمونه‌ای که مد نظر است، نمونه قدرت گیری بلشویکها در روسیه ۱۹۱۷ است. ستاد رهبری اعتراضات و انقلاب همان شورای مرکزی پتروگراد بود که در سرنگونی تزار و ادامه انقلاب تا یک مقطعی ادامه داشت و رهبری آن عملاً دست گرایش‌ها راست بود. در ادامه رادیکال شدن انقلاب، وقتی که رهبری این ستاد جلوی انقلاب ایستاد، بلشویکها و انقلاب آنها را پس زدند و عملاً در آن شورا دست بالا را پیدا کردند و انقلاب را از آنجا هدایت کردند.

بهررو بحث این نوشته می‌خواست روی این نکته تمرکز داشته باشد که در این فاز، آنجا که اعتراضات هنوز روی غلطک نیافته و دور نگرفته اند، ستاد رهبری اعتراضات باید شکل بگیرد و این حلقه اصلی گم در اعتراضات و در جنبش سرنگونی است. سعی می‌کنم که در نوشته‌های دیگری به نکات دیگری که گذرا در این نوشته به آنها اشارتی شد، پردازم.

۱۵ ژانویه ۲۰۲۲

گرایشی تا یک جایی می‌خواهد اعتراض بکند و آنجا که احساس کرد به یکسری از مطالبات محوری خود دست یافته است، از ادامه اعتراض و انقلاب منصرف می‌شود. نمونه کادتها در انقلاب ۱۹۰۵ روسیه یک نمونه جالب است که وقتی که تزار وعده پارلمان و آزادی‌های سیاسی و اینگونه مطالبات داد، آنها عملاً سوت پایان انقلاب را کشیدند و با تزار در سرکوب انقلاب شریک شدند. نمونه اسلامی‌ها و لیبرالها در انقلاب ۵۷ ایران نمونه بارز دیگری است که با رفتن شاه و گرفتن قدرت در دست، به مردم عاصی گفتند به خانه‌هایشان بروید و شروع کردند به سرکوب شوراها و بتبع آن به سرکوب تداوم انقلاب.

من فکر می‌کنم و باید برای این تلاش کنیم که ستاد رهبری انقلاب در یک مقطعی از پیشروی اعتراضات به دست کمونیستها و حزب کمونیست کارگری بیافتد. ما برای تغییرات بنیادی مبارزه می‌کنیم و می‌خواهیم تا انتهای منطقی آن، این انقلاب را هدایت کنیم که امکان قدرت‌گیری شوراها توده‌ای و امکان پیاده کردن مطالبات

کمیته سازمانده

**این حزب شماست
به حزب خود پیوندید**

@wpisazmaneh
www.sazmandeh-wpi.com
tamas.wpi@gmail.com
+447435562462

کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری ایران
را می‌توانید در شبکه‌های اجتماعی از طریق
آدرس‌های زیر دنبال کنید و به اشتراک بگذارید

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-Communist Party of Iran

اطلاعیه خبری

یکشنبه ۲۶ دی: تجمعات بازنشستگان فولاد اصفهان، رشت و البرز شمالی، بازنشستگان تامین اجتماعی تهران و رشت و بازنشستگان مخابرات بازنشسته، شاغل اتحاد، اتحاد



صد میلیون را به ما بدهند. تا وقتی که جواب نگیریم هر هفته جمع می‌شوم. من حقم را می‌خواهم و چیزی هم ندارم از دست بدهم و تا آخرش هم هستم. در خاتمه این بازنشستگان قرار تجمع برای دوشنبه چهارم بهمن در همین محل را گذاشتند.

بازنشستگان یک بخش معترض جامعه هستند که نقش کلیدی ای در جلو آوردن خواست سراسری درمان رایگان برای همه را به جلو آورده اند. از خواستها و مبارزات بازنشستگان باید وسیعاً حمایت و پشتیبانی کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۶ دی ۱۴۰۰، ۱۶ ژانویه ۲۰۲۲

یکی از بازنشستگان در سخنرانی ای اعلام کرد که اینها خواسته اند سه نفر را بفرستند که با آنها صحبت کنند ولی بعد عقب نشستند. اینها فکر میکنند میتوانند با ما بازی کنند. دوازده سال است دارند با ما بازی میکنند. ما به هیچ وجه عقب نمی‌نشینیم. اینها فکر کردند امروز را که گذراندند تمام شد. ما هر هفته اینجا هستیم. دوشنبه دیگر اینجا خواهیم بود. اینها باید بدانند که دیگر نمیتوانند با ما بازی کنند. دیگر کار به استخوانمان رسیده است. ما حقم را می‌خواهیم و چیزی هم نداریم از دست بدهیم. بیست سال پیش بیست میلیون تومان می‌خواستیم الان قیمت آن صد میلیون تومان است و باید

جمعی از بازنشستگان و مستمری بگیران صندوق بازنشستگی فولاد در البرز اصفهان، اهواز و لوشان در البرز غربی نیز در ادامه یکشنبه های اعتراضشان مقابل ساختمان این صندوق در این دو شهر تجمع کردند. همسان سازی حقوقها و افزایش حقوق ها به بالای خط فقر که از دو سال پیش ۱۲ میلیون تومان اعلام شده و داشتن یک زندگی انسانی مطالبه همه بازنشستگان است. - روز یکشنبه ۲۶ دیماه جمعی از بازنشستگان مخابرات در اعتراض به خلف وعده ها و عدم پرداخت طلبهایشان در مقابل یکی از ساختمانهای مرکزی این شرکت در تهران تجمع کردند. در این تجمع

میدادند: "بازنشسته می میرد، ذلت نمی پذیرد"، شاغل و بازنشسته اتحاد، اتحاد"،

در همین روز بازنشستگان تامین اجتماعی در اهواز و رشت نیز مقابل اداره کل تامین اجتماعی این شهرها تجمع داشتند.

اجرای کامل همسان سازی حقوقها، درمان رایگان، پایان دادن به اختلاسهای و دزدیها، و پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات از جمله خواستهای اعلام شده بازنشستگان در تجمعاتشان است. یک مطالبه بازنشستگان آزادی بی قید و شرط اسماعیل گرامی است که بخاطر همین مطالبات ماههاست در زندان است.

- روز یکشنبه ۲۶ دیماه

امروز یکشنبه ۲۶ دیماه جمع بزرگی از بازنشستگان و مستمری بگیران تامین اجتماعی برای پیگیری مطالباتشان و در اعتراض به وضعیت نامناسب معیشتی، عدم افزایش حقوق و مستمری‌ها، و عدم اجرای کامل همسان‌سازی، مقابل مجلس اسلامی تجمع کردند. از آنجا که یکشنبه ها به روز اعتراض بازنشستگان تبدیل شده بود خانه کارگر و نهادهای دست ساز حکومتی تلاش کردند خود را جلو بیندازند و فراخوان به تجمع این روز را داده بودند. اما بازنشستگان با شعار های کوبنده خود آنها را به حاشیه راندند و مثل همیشه فریاد اعتراض خود را بلند کرد. در این تجمع بازنشستگان شعار

معیشت، منزلت، حق مسلم ماست!

سران جمهوری اسلامی باید بجرم جنایت علیه بشریت دستگیر و محاکمه شوند

نامه اعتراضی به دولت نیکاراگوئه درباره حضور محسن رضایی قاتل در مراسم تحلیف دانیل اورتگا

به آقای دنیس مونکادا

وزیر امور خارجه دولت نیکاراگوئه

۱۴ ژانویه ۲۰۲۲

جناب آقای مونکادا

جنایتکار اسلامی، از طرف مردم ایران نه فراموش خواهد شد و نه بخشیده خواهد شد. در شرایطی که جهان هر چه بیشتر می رود که آن حکومت و سران قاتل آن را از نظر سیاسی منزوی کند و عوامل آن را بجرم جنایت علیه بشریت به دادگاه بکشاند (مانند پرونده حمید نوری در ارتباط با کشتارهای تابستان ۶۷ که در حال حاضر در سوئد در جریان است)، شرم آور است که دولت شما انتخاب کرده است که خود را با این حکومت همسو کند.

رضایی و همه سران جنایتکار جمهوری اسلامی بجای دعوت به مراسم بین المللی، هر جا خارج از ایران که پایشان را بگذارند باید بجرم جنایت علیه بشریت دستگیر و به دادگاه سپرده شوند. این خواست مردم ایران، کارگران، زنان و جوانان و خواست خانواده های داغدار و داخواهی است که عزیزانشان ظالمانه از آنان گرفته شدند. تمام آن دولت ها و سیاستمدارانی که بر این جنایات چشم پوشیده و خود را در کنار این حکومت قرار می دهند بدون تردید بهای سیاسی سنگینی برای اعمال شرم آور خود خواهند پرداخت.

با احترام

بهرام سروش

مسئول دفتر بین المللی حزب کمونیست کارگری ایران

* ترجمه از متن اصلی نامه به انگلیسی

<https://wpiran.org/english/international.office@wpira>

این نامه را برای ابراز شدیدترین اعتراض خود نسبت به حضور محسن رضایی، فرمانده کل سابق سپاه پاسداران و در حال حاضر معاون اقتصادی رئیس جمهور در حکومت اسلامی، در مراسم تحلیف آقای اورتگا که این هفته صورت گرفت می نویسیم. این اقدام، دهن کجی به خانواده های قربانیان این فرد آدمکش، مردم ایران و مردم آرژانتین است.

بیشک آگاه هستید که محسن رضایی از طرف سازمان بین المللی پلیس جنایی، اینترپل، در ارتباط با بمب گذاری تروریستی در مرکز همیاری یهودیان، "آمیآ"، در بوئنوس آیرس در سال ۱۹۹۴ که ۸۵ کشته و صدها زخمی بجای گذاشت تحت پیگرد است. همچنین قطعاً مطلع هستید که رضایی به مدت ۱۶ سال فرماندهی کل سپاه و دو سال ریاست واحد اطلاعات سپاه را از بدو استقرار جمهوری اسلامی تا اواخر دهه نود میلادی به عهده داشت. طی آن سالها، دهها هزار مخالف سیاسی و مردم معترض، شامل کودکان، دستگیر، شکنجه و اعدام و در گورهای جمعی دفن شده یا به اشکال دیگری ناپدید شدند. سپاه جمهوری اسلامی نقشی اساسی در این کشتارها و جنایات هولناک داشت.

دعوت دولت شما از این فرد قاتل به نیکاراگوئه و نزدیکی تان با حکومت



ماست،

اطلاعیه تکمیلی

یکشنبه ۲۶ دی:

تجمعات بازنشستگان

تامین اجتماعی در ۷

شهر

امروز یکشنبه ۲۶ دیماه بازنشستگان تامین اجتماعی در ادامه مبارزاتشان و برای پیگیری خواسته های خود در شهرهای تهران، قزوین، رشت، خرم آباد، اهواز، تبریز و کرمانشاه تجمع کردند. این تجمعات در تهران مقابل مجلس اسلامی و در شهرستانها مقابل ادارات تامین اجتماعی برگزار شد. در تهران جمعیت بزرگی شرکت داشتند و حضور زنان چشمگیر بود. در کرمانشاه بازنشستگان با پهن کردن سفره خالی و با شعارهای "بازنشسته پیا خیز برای رفع تبعیض"، "سفره ما خالیه، سفره شما عالیه" صدای اعتراض خود را بلند کردند. در این تجمعات بازنشستگان همچنین طی سخنرانی هایشان خواسته های اعتراضی خود را بیان کردند. از دیگر شعارهای اعتراضی بازنشستگان در این تجمعات عبارتند بودند از: "بازنشسته می میرد، ذلت نمی پذیرد"، "شاغل و بازنشسته اتحاد، اتحاد"، "وعده وعید کافیه؛ سفره ما خالیه"، "فقط کف خیابون، به دست میاد حقمون"، "خواسته ما همینه همسان سازی بهینه"، "بازنشسته دادبزن حقتور یادبزن"، "معیشت. منزلت. درمان رایگان حق مسلم

یک موضوع اعتراض بازنشستگان لایحه بودجه جمهوری اسلامی و تعرضات معیشتی به زندگی کل جامعه است. بنابر به خبرها و گفته های خود حکومتمیان هم اکنون دولت به این صندوق بیش از ۴۰۰ هزار میلیارد تومان بدهکار است و این صندوق عملاً در ورشکستگی کامل است و پولهای آنرا بالا کشیده اند. حتی گفته میشود این صندوق حتی در پرداخت حقوق بازنشستگان نیز با مشکل روبروست. یک اعتراض بازنشستگان به این دزدیها و خالی شدن صندوق بازنشستگی است و خواست آنها برگرداندن شدن پولهای به سرقت رفته به صندوق است. از جمله هم اکنون اقلامی از داروها از همان بیمه حداقلی کارگران حذف شده اند و این خود هزینه های درمانی بازنشستگان را افزایش میدهد. بعلاوه حذف ارز دولتی ۴۲۰۰ تومان خود موجب شوک تورمی بزرگی خواهد شد و اولین قربانی آن بازنشستگان هستند. اعتراض بازنشستگان، کارگران، معلمان به کل سیستم چپاول و دزدیها و زندگی زیر خط فقر و حاکمیت دزدان و اختلاسگران است و این اعتراضی است که ابعاد اجتماعی دارد. باید وسیعاً از این اعتراضات حمایت و پشتیبانی کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۶ دی ۱۴۰۰، ۱۶ ژانویه ۲۰۲۲

در تکثیر، پخش و اشاعه ادبیات حزب کمونیست کارگری ایران بکوشید!

اطلاعیه خبری ۲۳ دیماه: تجمع با شکوه و سراسری معلمان برگزار شد



امروز ۲۳ دی معلمان در پاسخ به فراخوان شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان جهت پیگیری مطالبات خود دست به تجمعات سراسری زدند. این تجمعات در تهران در مقابل مجلس اسلامی و در مراکز استانها مقابل اداره کل استان و در شهرستانها مقابل اداره آموزش و پرورش بر پا شده است. گزارشاتی تاکنون از تجمعات در ۶۰ شهر دریافت شده است که از جمله عبارتند از: تهران، کرج، سنندج، مریوان، بوکان، کامیاران، سردشت، بانه، سنقر، دهگلان، بوئین زهرا، گرگان، دلفان، آبدانان، لردگان، شهرکرد، بروجرد، بیجار، یاسوج، اردبیل، اهر، خداآبند (زنجان)، میاندوآب، بهبهان، اندیمشک، ایذه، اهواز، امیدیه، مسجد سلیمان، خرمشهر، جازان، ارسنجان، شیراز، شیروان، نیشابور، مشهد، یزد، ساری، رشت، لاهیجان، بابل، لنگرود، نکا، نوشهر، رضوانشهر، همدان، خمینی شهر، اصفهان، کرمانشاه، اسلام آباد غرب، پلدختر، شهرضا، جلفا، اراک، قزوین، شهربابک، الیگودرز، قروه، دورود، سمنان، تبریز

تجمعات ۲۳ دی همچون دفعات قبل پرشور بود و جمعیت قابل توجهی در آنها گرد آمده و شعار میدادند، سرود

مخواندند و ترانه خوانی میکردند. در این تجمعات معلمان شاغل و بازنشسته همراه بودند و از جمله در گرگان بنر "شاغل و بازنشسته همبسته هستیم". توجه ها را بخود جلب میکرد. حضور زنان در تجمعات چشمگیر بود و در بسیاری از شهرها زنان پشت میکروفون قرار گرفته و با سخنرانی های پرشوری بر خواسته های پافشاری کردند. در این تجمعات قطعنامه ویژه معلمان نیز خوانده شد.

در تهران یکی از معلمان در سخنرانی پرشور خود گفت: "امنیت یعنی حق من را بدهند و دیگر من نیایم اینجا. یعنی اینکه شما حق بازنشسته را بدهید که معلم مجبور نشود بیاید اینکه بدانید که ما تا پای جان می ایستیم و هیچ هراسی نداریم." موضوع بعدی را به دانش آموزان اختصاص میدهم و آموزش برای دانش آموزان ما باید رایگان باشد. سخنان او با کف زدن و استقبال حاضرین همراه شد.

در شهر جلفا معلمان تجمع کننده ترانه خواندند و از خواسته هایشان گفتند. در یزد جمعیت شعار هایشان را فریاد زدند و سرود یار دبستانی که سرود اعتراضات شده است را

فرزند ایران"، "اجرای هم تریزی بدون حقه بازی"

در تجمعات این روز معلمان دستوشسته های سفید و یکدستی بدست گرفته بودند که در میان آنها بنرهایی با مضمون "تحصیل رایگان"، "معیشت"، "منزلت، حق مسلم ماست"، "معلم زندانی آزاد باید گردد" توجه ها را بخود جلب میکرد.

معلمان در تجمعاتشان در رابطه با دانش آموزان و وضعیت نابسامان آموزش و پرورش است. از جمله در پوسترهای فراخوان به تجمع روز ۲۳ دی معلمان بر این خواستها تاکید کرده بودند: "آموزش رایگان صورت گیرد"، "مدارس تجهیز شوند" *محتوای کتب درسی متناسب با سن دانش آموز و اهداف زندگی طراحی شود، "عدالت آموزشی برای همه اجرا شود". در این فراخوانها همچنین برخورداری همه کارکنان دولت و همه کارگران از حقوق مساوی مورد تاکید قرار گرفته بود.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان به مناسبت تجمع ۲۳ دی همچون دفعات قبل قطعنامه ای انتشار داده بود که در این تجمعات خوانده شد.

در مقدمه این قطعنامه با اشاره بر حضور دهها هزار معلم شاغل، بازنشسته و نیروهای خدماتی از سراسر کشور در اعتراض به عملکرد غیر قابل قبول دولت و مجلس نسبت به بی توجهی حاکمیت هشدار داده شده است. در قطعنامه همچنین تعرض به معیشت و سلامت و منزلت پانزده سالگان آموزش و پرورش مورد اعتراض قرار گرفته است. قطعنامه همچنین به تورم افسار گسیخته ای که معیشت همه مردم را به خطر انداخته اشاره کرده و بر اجرایی شدن فوری مطالبات معلمان تاکید شده است. قطعنامه همچنین طبقاتی کردن آموزش را محکوم کرده و بر پایان دادن فوری به خصوصی سازی ها، و بر آموزش رایگان تاکید کرده است. قطعنامه همچنین تاکید میکند: اجرای اصولی و کامل رتبه بندی فرهنگیان از بدو استخدام بر مبنای حداقل هشتاد درصد حقوق متناظر اعضای هیات علمی و تعیین منابع بودجه رتبه بندی برای سال ۱۴۰۱ بدون قید و شرط، اجرای کامل همسان سازی بازنشستگان بر اساس قانون مدیریت خدمات کشوری از اول مهرماه ۱۴۰۰، ایجاد امنیت شغلی و

سوسیالیسم تنها راه نجات بشریت است!

اقدام بیش‌رمانه دولت نیکاراگوئه محکوم است محسن رضایی باید فوراً دستگیر و روانه زندان شود



Ali Akbar Hashemi Rafsanjani, Presidente de Iran (1989-1997)
Ali Fallahjani, Ministro de Informacion y Seguridad de Iran (1989-1997)
Ali Akbar Velayati, Ministro de Relaciones Exteriores de Iran (1981-1997)
Mohsen Rezaei, Comandante de la Guardia Revolucionaria (Pasdarans) (1981-1997)

هزار نفر از عزیزان مردم به

مردم ایران و هم‌میتور مردم آرژانتین هرگز فراموش نخواهند کرد که قاتل عزیزان آنها توسط حکومت نیکاراگوئه بیش‌رمانه مورد استقبال قرار می‌گیرد و هیچ نوع سکوت و بی‌عملی از طرف دولت های دیگر را نخواهند پذیرفت. این حق مردم است که قاتلین عزیزانشان دستگیر و به دست عدالت سپرده شوند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۲ دیماه ۱۴۰۰، ۱۲ ژانویه ۲۰۲۲

نیکاراگوئه و هم‌میتور دولت های موریتانی و ونزوئلا را که به محسن رضایی امکان داده اند از طریق کشور آنها به نیکاراگوئه برود شدیداً محکوم میکند و از همه دولت هایی که امکان اعمال فشار برای دستگیری محسن رضایی را دارند می‌خواهد که تمام امکانات سیاسی و دیپلماتیک خود را برای دستگیری او فوراً به کار گیرند.

جوخه اعدام سپرده شدند و دهها هزار نفر مورد شکنجه و تجاوز قرار گرفتند، اعتراضات بخش های مختلف مردم به وحشیانه ترین شکلی سرکوب شد و سپاه نقش اساسی در کلیه جنایات این دوره داشته است. همه دولت ها مسئولیت دارند که تلاش کنند از طریق پلیس اینترپل این جنایتکار را فوراً دستگیر و روانه زندان کنند. حزب کمونیست کارگری دولت

مشارکت حداقل پنج نفر دیگر از مقامات جمهوری اسلامی تحت مسئولیت رفسنجانی انجام گرفت و به قتل ۸۵ نفر و مجروح شدن ۱۵۰ نفر در سال ۱۹۹۴ منجر شد تحت اعلان قرمز بین المللی اینترپل قرار دارد. اما این جنایت تکانه‌هنده تنها جزئی از کارنامه جنایاتی است که او مرتکب شده است. محسن رضایی از بنیانگذاران سپاه پاسداران، فرمانده اطلاعات سپاه به مدت دو سال و از سال ۶۰ تا ۷۶ فرمانده سپاه بوده است. سالهایی که دهها

حضور محسن رضایی در مراسم تحلیف رئیس جمهور نیکاراگوئه یک بیش‌رمی تمام عیار از طرف اورنگا و و یک دهن کجی آشکار نه تنها به خانواده های قربانیان بمب گذاری جمهوری اسلامی در آرژانتین، بلکه دهن کجی آشکاری به مردم ایران است که این انسان خبیث و جنایتکار از قاتلین هزاران نفر از عزیزان آنها بوده است.

محسن رضایی به جرم بمب گذاری جنایتکارانه در ساختمان آمیا در بوئنس آیرس که با

محکوم میکند و بر آزادی فوری و بدون قید و شرط آنها تاکید دارد. حزب کمونیست کارگران همه مردم خصوصاً خانواده های دانش آموزان را به حمایت همه جانبه از مبارزات معلمان فرا می‌خواند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۳ دی ۱۴۰۰، ۱۳ ژانویه ۲۰۲۲

گسترده مبارزات معلمان و تداوم آن توجه کل جامعه را به خود جلب کرده است. معلمان امروز بیش از هر وقت به صدای اعتراض کل جامعه تبدیل شده اند. حزب کمونیست کارگری حمایت قاطع خود را از خواستها و مبارزات معلمان اعلام میکند. حزب دستگیری معلمان پیروز نامی، محسن عمرانی و محمود ملاکی را

کامل را اجرا و بیش از این منزلت و معیشت معلمان را به بازی نگیرد چرا که با موج جدید و بسیار گسترده تری از اعتراضات و اعتصابات نامحدود مواجه خواهند شد. اعتراض معلمان به فقر، به بودجه ریاضتی، و به تبعیض و نابرابری است. معلمان پرچمدار خواست آموزش رایگان برای همه کودکان هستند. ابعاد

بازنشستگان محترم بلافاصله پس از اتمام خدمت در خاتمه شورای هماهنگی در قطعنامه خود هشدار داده و مینویسد: این شورا به حاکمان هشدار می دهد هیچ بهانه ای اعم از تحریم، به خطر افتادن امنیت ملی، زمینه برای سو استفاده ی بیگانگان و معاندان و بهانه هایی از این دست برای هیچ شخصی قابل پذیرش نبوده چرا که دست غارتگران و متجاوزان به حقوق ملت برای آحاد جامعه به ویژه فرهنگیان کاملاً روضه شده است. بنابراین بی توجهی به مطالبات معلمان بازنشسته و شاغل و عدم تمکین به خواسته های ایشان به گسترده تر شدن اعتراضات معلمان و دانش آموزان منجر شده و به دولت و مجلس هشدار می دهد هر چه سریع تر و بدون فوت وقت بحث همسان سازی و رتبه بندی قانونی و

صفحه ۱۳ استفاده رسمی تمام بخش های مختلف نیروی کار آموزشی، آزادی معلمان دربند و مختومه شدن پرونده فعالان صنفی و توقف احضار و بازجویی معلمان توسط حراست ها و نهادهای امنیتی، بازگرداندن سرمایه های غارت شده صندوق های بازنشستگی کشوری و سرمایه گذاری اقتصادی شفاف به گونه ای که اشتغال فرزندان بازنشستگان را تحت پوشش قرار دهد، پرداخت حق منطقه جنگی مصوب به بازنشستگان استان های آذربایجان غربی، کردستان، کرمانشاه، ایلام، خوزستان و بوشهر، برخورداری از بیمه تکمیلی یکسان برای همه بازنشستگان و شاغلین دستگاه های اجرایی بر اساس مفاد ماده ۸۵ قانون مدیریت خدمات کشوری، پرداخت پاداش پایان خدمت



جمهوری اسلامی باید از سازمان جهانی کار اخراج و در سطح جهان بایکوت شود!

پیام آرش جوهری فعال کارگری از زندان شادی گلک یک همسر آرش جوهری نیز بازداشت شد



آرش جوهری فعال کارگری در چهاردهم مهر ماه سال ۹۹ بازداشت شد و هفت سال حکم زندان دارد. او از درون زندان با پیامی صوتی از چگونگی دستگیری اش و علت اینکه چرا امروز در بند است میگوید. او همچنین از دستگیری همسرش شادی گلک یک که در همین هفته در هجدهم دیماه بازداشت شد میگوید و با این پیام از همگان میخواهد که صدای او باشند. او میگوید: "من آرش جوهری ام. یک کارگر و فعال کارگری. ۹۹/۷/۱۴ با هجوم ماموران اطلاعات سپاه به خانه ام، به اتهام اینکه علیه وضعیت موجود و دستاوردهای این حکومت یعنی زندگی غیرانسانی طبقه کارگر و تمام مردم نظیر فقر، تن فروشی، کارتن خوابی، حقوق چندین برابر زیر خط فقر، نابرابری زن و مرد، نابرابری های نژادی و غیره سخن گفته ام و به خاطر خواسته های انسانی و زندگی در شان انسان دستگیر شدم." در ادامه او از پرونده سازی های امنیتی علیه خود و اینکه با سه اتهام تشکیل گروه، اجتماع و تبانی و فعالیت تبلیغی علیه نظام هفت سال و نیم حکم گرفته است سخن میگوید. به گفته او همسرش شادی گلک یک نیز با اتهام تبلیغ علیه نظام به یک سال محکوم و همین هفته در هجدهم دیماه برای سپری کردن آن راهی زندان شده میگوید. وشادی گلک یک پرستاری است که سال گذشته به خاطر ارائه خدمات بالایی انسانی به بیماری مبتلا به کرونا جایزه گرفته بود، آرش جوهری در پیام خود از همگان خواسته

است که صدای او باشند. کمپین برای آزادی کارگران زندانی بر آزادی فوری آرش جوهری و همسرش شادی گلک یک و بسته شدن پرونده امنیتی وی و تمامی زندانیان سیاسی تاکید دارد. کمپین برای آزادی کارگران زندانی با ضمیمه کردن متن کتبی پیام آرش جوهری از همه نهادهای کارگری و انсандوست در سراسر جهان میخواهد که صدای آرش را بشنوند و به هر شکل که می توانند حمایت خود را از وی و دیگر کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی اعلام کنند. رژیم اسلامی را زیر فشار بگذارند که به سرکوبگریهای خاتمه دهد. انزجار جود را نسبت به ماماشات سازمان جهانی کار با رژیم سرکوبگر ایران اعلام کنند. جمهوری اسلامی باید از تمامی نهادهای بین المللی و از جمله سازمان جهانی کار اخراج شود.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

Shahla.daneshfar2@gmail.com

۲۲ دی ۱۴۰۰، ۱۲ ژانویه ۲۰۲۲



**متن پیاده شده پیام
فعال کارگری آرش
جوهری از زندان
اوین:**

بازجوها روبه رو شد. شادی از همان روزی که کشور در آتش کرونا می سوخت و سرکوبگران در پنت هاوس های خود از ترس کرونا پناه گرفته بودند، با تمام توان به خاطر وظایف اجتماعی و انسانی در بیمارستان ها تلاش کرده است و حال دستمزدش بازجویی، پرونده سازی، آزار و اذیت بوده و دست آخر با سیاست گروگانگیری این سیستم زندانی شده است.

کرونا فروکش کرده است اما آتش سرکوب و ناعدالتی هنوز می سوزد. مقابل تمام خواسته های انسانی مردم، مقابل زندگی انسانی، مقابل خواسته هایی همچون آزادی، برابری و رفاه انسان ها دیواری قرار دارد که زندگی را تبدیل به جهنم ساخته است. و بی شک آن دیوار همین سیستم است. دستگاه عدالت ما، قاضی ما، شما مردم هستید! از شما خواهشمندم صدای ما را بشنوید و به ما کمک کنید.

آرش جوهری زندان اوین. تهران

بازجویی ها من با پرونده سازی به سه اتهام تشکیل گروه، اجتماع و تبانی و فعالیت تبلیغی علیه نظام به شانزده سال حبس محکوم شدم که ده سال آن قابل اجرا بود و به سبب بازجویی های متعدد از خانواده ام و دادگاهی کردن شادی گلک مجبور به تسلیم به رای شدم و حکم به هفت سال و شش ماه کاسته شد. البته دادگاه من به قدری تشریفاتی بود که بعدها خود قاضی شعبه ۲۶ به خانواده ام گفته بود که حکم دست من نبوده است.

پرونده ای که برای شادی گلک ساخته شد با اتهام تبلیغ علیه نظام به یک سال محکومیت منجر شد (مترجم شادی از ۸ ژانویه به یکسال زندان محکوم و در زندان اوین است) و در تجدیدنظر عینا تائید گردید. شادی گلک یک پرستار است. از ابتدای ورود کرونا به ایران در بدترین شرایط کاری مشغول خدمت بود و کاملاً بی گناه و بی اطلاع از مسائل، با انواع توهین ها و اذیت ها همچون ممانعت استفاده از دستشویی، به دست اعتراف گیری اجباری از طرف

من آرش جوهری ام. یک کارگر و فعال کارگری. ۹۹/۷/۱۴ با هجوم ماموران اطلاعات سپاه به خانه ام، به اتهام اینکه علیه وضعیت موجود و دستاوردهای این حکومت یعنی زندگی غیرانسانی طبقه کارگر و تمام مردم نظیر فقر، تن فروشی، کارتن خوابی، حقوق چندین برابر زیر خط فقر، نابرابری زن و مرد، نابرابری های نژادی و غیره و به خاطر خواسته های انسانی و زندگی در شان انسان دستگیر شدم. و با انواع توهین ها به خودم و خانواده ام و زبان مادری ام (مترجم ایشان ترک زبان هست) در بازجویی ها روبه رو شدم و هنگامی که زیر بار اعترافات اجباری نرفتم بارها تهدید شدم که برای همسرت، شادی گلک پرونده ی سیاسی تشکیل و از کار پرستاری اخراج خواهد شد.

اطلاعات سپاه در جریان پرونده ی من به سناریوی همیشگی خودش، یعنی پرونده سازی امنیتی برای فعالین و خانواده های آنها، علیه همسر شادی پرونده ای جداگانه تشکیل داد تا اهرم فشاری باشد بر روی من. بعد از اتمام



اطلاعیه خبری

تجمعات کارگران پروژه ای پایانه نفتی قشم، اداره آب آجاجاری و سد سفارود

اعتصاب کارگران پروژه ای پایانه نفتی قشم شرکت تیوانرژی روز ۲۰ دی کارگران پروژه ای پایانه نفتی قشم در شرکت تیوانرژی در اعتراض به عدم پرداخت سه ماهه مزد و پایین بودن سطح دستمزدها دست از کار کشیدند و تجمع اعتراضی برپا کردند.

تجمع اعتراضی کارگران

اداره آب آجاجاری

روز سه شنبه ۲۱ دیماه جمعی از کارگران اداره آب شهرستان آجاجاری (استان خوزستان) در اعتراض به عدم پرداخت چندین ماه دستمزد معوقه شان مقابل این اداره دست به تجمع زدند.

اعتراض کارگران سد سفارود

روز سه شنبه ۲۱ دیماه کارگران پروژه سد سفارود در اعتراض به عدم پرداخت چند ماهه مزد خود برای چهاردهمین روز مقابل ساختمان استانداری گیلان دست به تجمع زدند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۱ دی ۱۴۰۰، ۱۱ ژانویه ۲۰۲۲



اطلاعیه خبری

اعتصاب کارگران نیشکر میان آب، رانندگان استیجاری شرکت توزیع برق گیلان و یک خبر دیگر

اعتصاب و تجمع کارگران نیشکر میان آب

کارگران نیشکر میان آب روز ۲۲ دیماه در اعتراض به وگذاری این شرکت به بخش خصوصی و دزدی ها و اختلاسهای پشت پرده این واگذاری ها دست به اعتصاب زدند. در این شرکت حدود ۳۰۰ کارگر به کار اشتغال دارند و فعالیت آن در زمینه کشت نیشکر است و محصول آن در کارخانه های منطقه از جمله کارخانه نیشکر هفت تپه به شکر تبدیل می شود. شرکت نیشکر میان آب ۶ هزار و ۴۰۰ هکتار زمین کشاورزی دارد که ۲ هزار و ۵۰۰ هکتار

آن زیر کشت نیشکر قرار میگیرد و در فاصله ۳۵ کیلومتری شهر شوش در میان آب واقع است.

اعتراض راننده های استیجاری شرکت توزیع برق گیلان به پایین بودن دستمزدها

روز ۲۲ دیماه حدود ۱۸۰ نفر از رانندگان استیجاری که با خودروی خود در اجاره شرکت توزیع برق گیلان هستند، اعتراض خود را به پایین بودن دستمزد و مزایای دریافتی شان رسانه ای کردند. این رانندگان با خودروهای خود که به اجاره شرکت در آمده است روزانه ۸ تا ۱۲ ساعت در شرایط سخت و در جاده های خاکی کوهستانی و مناطق جنگلی گیلان کار میکنند و در ماه فقط ۶ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان به آنها پرداخت میشود. بدین ترتیب با کسر هزینه اجاره خودرو و مخارج مربوط به آن عملاً مزدی برای آنها باقی نمی ماند. به گفته رانندگان تمام هزینه های جاری خودروها حتی پول بنزین نیز بر عهده خود آنهاست. این کار چهار سال است که به پیمانکاری

سپرده شده است و پیمانکار تامین نیرو در مقام کارفرما به تعهدات مزدی خود در قبال کارگران راننده عمل نمی کند و حتی در این مدت به آنها حق عیدی و سنوات و حق مزایا و دیگر مزایای شغلی نیز پرداخت نشده است. این درحالیست که فیش حقوقی و برگه قرارداد کاری نیز ندارند و در پایان هر سال به بهانه عقد قرارداد جدید از کارگران راننده بدون تسویه حساب کامل امضاء گرفته می شود. کارگران راننده استیجاری شرکت توزیع برق گیلان به این شرایط برده وار کار و سطح نازل حقوقهایشان اعتراض دارند.

اعتراض کارگران شش شهرداری اهواز روز ۲۲ دی کارگران خدماتی منطقه شش شهرداری اهواز برای چندمین روز در اعتراض به نامشخص بودن وضعیت مطالبات معوقه خود دست از کار کشیدند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۱ دی ۱۴۰۰، ۱۲ ژانویه ۲۰۲۲

ماهواره یاه ست

فرکانس: ۱۱۷۶۶

پولاریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

اف ای سی: ۷/۸

www.newchannel.tv
nctv.tamas@gmail.com

ماهواره یوتلست

فرکانس: ۱۱۳۸۷

پولاریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

اف ای سی: ۵/۶

KANAL JADID
کانال جدید

پخش زنده آنلاین:



newchannel.tv/live/tv

حزب کمونیست کارگری ایران به کمک مالی شما نیازمند است

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

سوئد:

Kontonr: 412 23 79-3 SEK

Bankkontonr: 9960 2641 223 793

Kontoslag: PLUSGIROKONTO

F RETAG

IBAN: SE10 9500 0099 6026 4122 3793

آلمان:

Germany

M. Eli

Commerzbank

Kontonr: 727634800

BLZ: 60040071

IBAN: DE84600400710727634800

BIC/SWIFT: COBADEFFXXX

هلند:

Bank: RABOBANK

Darande hesab: FVIVN

Shomare hesab: 15 13 50 248

Adres: EINDHOVEN

IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از

هر کشور دیگر:

England

Account nr. 45477981

sort code: 60-24-23

account holder: WPI

branch: Wood Green

Bank: NatWest

IBAN: GB77 NWBK 6024 2345477981

BIC: NWBK GB 2L

تک شما که حزب را میشناسید و خود را در اهداف انسانی و آزادیخواهانه آن شریک میدانید، انتظار کمک داریم. کمک کنید و دوستانتان را تشویق به کمک کنید. امیدواریم مبلغی بسیار بیشتر از آنچه در فراخوان حزب آمده است به صندوق حزب سرازیر شود تا حزب بتواند به تعهدات سیاسی خود و تعهدات تازه ای که در مقابل جامعه و فعالین کارگری دارد و همینطور تعهداتی در مقابل دوستانی که بدلیل شرکت در مبارزه و یا برای تداوم فعالیت خود با مشکل مالی و تامین زندگی خود مواجه شده اند، جوابگو باشد.

سوالاتی دارید میتوانید با آدرس های

زیر تماس بگیرید:

از اروپا:

آذر پویا: ۰۰۴۶۷۳۰۵۶۶۶۱۴

azar_poya@hotmail.com

سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

siabahari@gmail.com

از آمریکای شمالی:

ستار نوریزاد ۰۰۱۲۱۴۵۴۹۶۲۷۱

sattarnorizad@yahoo.com

از کانادا:

بابک یزدی ۰۰۱۴۱۶۴۷۱۷۱۳۸

babakyazdi2@gmail.com

از ایران:

شهلا دانشفر ۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

shahla.daneshfar2@gmail.com

حزب کمونیست کارگری را باید در همه زمینه ها تقویت کرد. این حزب نیاز مبرم جامعه برای تحکیم و تقویت مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی و تضمین آینده ای روشن است. جامعه در آستانه تحولاتی مهم و تاریخی قرار دارد. فعالین کارگری، معلمان و بازنشستگان، زنان و دانشجویان مشغول تلاش هرروزه برای سازمانیابی و سازماندهی توده ای بخش های مختلف جامعه هستند. این تلاش ها، این جمعاعات اعتراضی وسیع و امیدبخشی که در مراکز کارگری و در خیابان ها جریان دارد، برای تبدیل شدن به یک آلترناتیو سیاسی موثر نیاز مبرم به حزب دارند. حزب کمونیست کارگری حزب این دوره است. امید بسیاری از مردم است. باید بدور سیاست های آن گرد آمد، همه جا واحدهایش را ایجاد کرد، برنامه و ادبیات و سیاست هایش را همه جا مورد بحث قرار داد، فراخوان هایش را هرچه بیشتر عملی کرد و از جمله حزب را باید تقویت مالی کرد.

بسیاری از پروژه های حزب نیاز و گسترش فعالیت های متنوع حزب در گرو تقویت بنیه مالی حزب است. تقویت این حزب بخشی از مبارزه شما برای سرنگونی حکومت گنبدیده و پلید اسلامی و شکل دادن به جامعه ای شاد و آزاد و برابر و انسانی است. حکومت اسلامی را باید تضعیف و سرنگون کرد و حزب را باید هرچه بیشتر تقویت کرد. به این معنی فراخوان حزب برای تامین مالی حزب یک فراخوان سیاسی نیز هست. از تک

فقط کف خیابون بدست میاد حقمون!